

# جهانی سازی و سازمان تجارت جهانی

## بیژن بیدآباد<sup>۱</sup>

### مقدمه

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization WTO) در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، این سازمان یکی از جوانترین سازمانهای بین‌المللی و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariffs and Trade GATT) می‌باشد که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ تأسیس شده بود. بدین ترتیب می‌توان گفت هر چند سازمان تجارت جهانی هنوز جوان است اما نظام تجارت چند جانبه که تحت گات شکل گرفت قدمتی شصت ساله دارد. طی شصت سال گذشته جهان شاهد رشدی چشمگیر در تجارت جهانی بوده است، بطوریکه صادرات کالا هر ساله به طور متوسط رشدی معادل ۶ درصد داشته و کل حجم تجارت در سال ۱۹۹۷، چهارده برابر سال ۱۹۵۰ بود که این روند رشد بی‌سابقه‌ای داشته است.

نظام تجارت جهانی از طریق یک سری ادوار مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه‌ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه‌ها از قبیل معیارها و ضوابط غیرتعرفه‌ای و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت، مهمترین دور مذاکرات که بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۶ بود و به دور اروگوئه معروف است منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید. البته مذاکرات به این مرحله ختم نگردید و برخی از آنها بعد از پایان دور اروگوئه نیز ادامه یافت چنانچه در سال ۱۹۹۷ توافقاتی در زمینه خدمات ارتباطات راه دور حاصل شد که ۶۹ دولت در مورد برقراری معیارهای گسترده آزادسازی فراتر از موافقتنامه دور اروگوئه در آن به توافق رسیدند.

در همان سال، چهل دولت با موفقیت مذاکرات خود را در زمینه تجارت آزاد تولیدات فن آوری اطلاعات پایان بخشیدند و هفتاد عضو یک تعهدنامه انجام خدمات مالی را در زمینه پوشش بیش از ۹۵ درصد معاملات تجاری بانکها، بیمه و اطلاعات مالی و اوراق قرضه امضاء کردند. در سال ۲۰۰۰ مذاکرات جدید در زمینه خدمات و کشاورزی آغاز شد این دور مذاکرات وارد برنامه‌های وسیعتری در اجلاس توسعه دوحه (DDA) که در چهارمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر، در نوامبر ۲۰۰۱ بود گردید، بر اساس بیانیه دوحه، دور جدید مذاکرات که از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شده است باید تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان برسد. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیرتعرفه‌ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای

<sup>1</sup> - Web: <http://www.bidabad.com> , Mail: [biijan@bidabad.com](mailto:biijan@bidabad.com) , [bidabad@yahoo.com](mailto:bidabad@yahoo.com)

دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

## مبانی نظری

امروزه همه متفق القولند که تجارت در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکار ناپذیر است. توجه ما به این موضوع به گونه‌ای است که تجارت منجر به تقسیم بین‌المللی کار و تخصص در بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم آورده است. نظریه‌های تجارت بین‌الملل از اهمیت بسزائی در این زمینه برخوردارند لذا در این بخش مروری بر نظریه‌های مهم در تجارت بین‌الملل می‌پردازیم.

اقتصاد بین‌الملل با روابط اقتصادی میان کشورها سروکار دارد و وابستگی متقابل حاصل از این روابط از جهت رفاه اقتصادی اکثر کشورها اهمیت زیاد دارد. روابط اقتصادی میان کشورها با روابط اقتصادی میان بخشهای مختلف یک کشور تفاوت دارد و این امر سبب می‌شود تا مسائل متفاوتی بروز کند که نیاز به ابزارهای تحلیلی نسبتاً متفاوتی دارد. بدین ترتیب اقتصاد بین‌الملل به عنوان رشته‌ای متمایز و جدا از اقتصاد کاربردی درآمده است. اقتصاد بین‌الملل با مباحث چندی سروکار دارد که نظریه محض تجارت و نظریه سیاست بازرگانی از آن جمله است. نظریه محض تجارت به اساس تجارت و منافع حاصل از آن می‌پردازد و نظریه سیاست بازرگانی به دلایل مربوط به موانع جریان آزاد تجارت و نتایج حاصل از آن می‌پردازد.

### نظریه مریکانتیلیسم (سوداگری)

نظریه سوداگری (Mercantalism) از جمله نظریات تجاری است که پایه تفکرات اقتصادی بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی را تشکیل می‌دهد. سوداگران (مرکانتالیست‌ها) که از قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم در ممالکی نظیر بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند نظریاتشان رواج داشت معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد در این رابطه قدرتمندتر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می‌دانستند از آنجائی که مقدار طلای موجود در هر لحظه از زمان ثابت بود لذا یک کشور خاص می‌توانست به زیان سایر ممالک از تجارت بهره‌مند گردد. از اینرو سوداگران از این عقیده حمایت می‌کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند.

### نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت

آدام اسمیت (Adam Smith) در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را که ثروت یک کشور به میزان دارائی آن کشور (طلا و نقره) بستگی دارد و کشورها فقط به ضرر سایر کشورها می‌توانند از تجارت سود ببرند را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزاتر تولید شود در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می‌برند.<sup>۲</sup> او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است (یعنی آن کالا را با کارآیی بیشتر نسبت به کشورهای دیگر تولید کند) و کالایی را وارد کند که در آنها مزیت مطلق ندارد (یعنی دارای کارآیی لازم برای تولید آن نیست) بدین ترتیب

<sup>2</sup> Suranovic. 1999. Chapter 40.

با تخصص بهینه عوامل تولید در سطح جهان، تولید جهان افزایش می‌یابد و رفاه همه کشورهای افزایش می‌یابد. از اینرو دیگر یک کشور به ضرر سایرین منتفع نگردیده و همه کشورهای منتفع خواهند شد.

بر اساس نظر آدام اسمیت تجارت بین دو کشور تنها بر اساس اصل مزیت مطلق انجام می‌شود. وقتی یک کشور کالائی را با کارائی بیشتر نسبت به کشور دیگر تولید می‌کند (یا مزیت مطلق دارد) و کالای دوم را نسبت به کشور دیگر با کارائی کمتر تولید می‌کند (عدم مزیت مطلق دارد) در این صورت هر دو کشور با تخصص در تولید کالائی که در آن مزیت مطلق دارند و مبادله آن با یکدیگر منتفع می‌شوند.<sup>۳</sup> واضح است که نظریه مزیت مطلق فقط بخش کوچکی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که مزیت مطلق در آن وجود دارد.

### نظریه مزیت نسبی ریکاردو

ریکاردو حدود ۴۰ سال بعد نظریه مزیت نسبی را ارائه نمود که بخش مهم تجارت جهانی را شامل می‌شود. سئوالی که آدام اسمیت نتوانست به آن جواب بدهد این بود که آیا تجارت بین کشورهایی که در تولید تمامی کالاها دارای مزیت مطلق هستند بر قرار می‌باشد یا خیر؟ در سال ۱۸۱۷ دیوید ریکاردو در جواب به این پرسش قانون مزیت نسبی را مطرح کرد. این نظریه بر پایه مفروضات زیر است:

۱. دو کشور دو کالا
۲. نظریه ارزش کار
۳. نیروی کار در یک کشور کاملاً متحرک و در سطح بین‌المللی غیر متحرک
۴. رقابت کامل در بازار عوامل تولید و محصولات
۵. توزیع درآمد در یک کشور تحت تاثیر تجارت نیست
۶. تغییرات فنی صورت نمی‌گیرد
۷. هزینه تولید ثابت است
۸. هزینه حمل و نقل صفر است
۹. تجارت پایاپای وجود دارد.

بر طبق نظریه ریکاردو اگر کشوری در تولید هر کالا دارای مزیت مطلق باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود زیرا که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد که هزینه نسبی تولید آن در داخل کشور پایین تر باشد و کالایی را وارد می‌نماید که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد. ریکاردو اظهار داشت حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین هر دو طرف صورت بگیرد و کشوری که دارای کارآیی کمتری است باید در صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت مطلق کمتری ندارد. این همان کالایی است که آن کشور در تولید آن دارای مزیت نسبی<sup>۴</sup> است. از سوی دیگر باید کالایی را که مزیت مطلق بیشتری ندارد را وارد کند. این قانون که به قانون مزیت نسبی معروف است هنوز کماکان یکی از مشهورترین قوانین اقتصادی در تجارت بین‌الملل است. با مروری گذرا بر فروض نظریه مزیت نسبی ریکاردو می‌توان مشاهده نمود که چرا این فروض مورد نقد قرار

<sup>۳</sup> پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

<sup>۴</sup> - Law of Comparative advantage

گرفته است. زمانی که دیوید ریکاردو نظریه خود را مطرح نمود در اوایل قرن نوزدهم بود و در انگلستان نیروی کار مهمترین عامل تولید قلمداد می‌گردید که در اکثر کالاها نقش اساسی را برعهده داشت. در آن دوران اکثر کارگران مهارتهای تخصصی کمی داشتند بنابراین فرض نیروی کار همگن فرض درستی بود. اما با گذشت زمان این فرض به مرور نقض گردید. سرمایه در کنار نیروی کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردید و نیروهای کار نیز برحسب مهارتها متمایز شدند. تکنولوژی با سرعت زیاد تغییر یافت، بطوری که واحدهای تولیدی با نوع تکنولوژی متفاوت از هم متمایز گردیدند. بازدهی‌های فزاینده نسبت به مقیاس مشخصه برخی از صنایع شد و سرمایه و نیروی کار هر دو از تحرک جهانی برخوردار شدند.<sup>۵</sup>

یکی از فرض این نظریه، ارزش کار است که بیان می‌دارد ارزش یا قیمت یک کالا از طریق مقدار کاری که در تولید آن کالا صرف شده است تعیین می‌گردد که امروزه این بخش از این نظریه مورد توجه اقتصاددانان نیست.

### نظریه هزینه فرصت

هابرلر (Haberlar) با ارایه نظریه هزینه فرصت در سال ۱۹۳۶ نظریه ارزش کار ریکاردو را از بن بست خارج نمود. طبق نظریه هزینه فرصت هابرلر، هزینه تولید یک کالا عبارت است از مقدار کالای دیگری که باید از تولید آن صرف نظر کرد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود. بر این اساس کشوری که دارای هزینه فرصت کمتری در تولید یک کالا است در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد در اینجا این فرض که نیروی کار تنها عامل تولید است یا همگنی نیروی کار وجود ندارد و هزینه یا بهای یک کالا برابر با نیروی کاری نیست که در تولید آن کار رفته است. کشوری که در آن هزینه فرصت از دست رفته یک کالا پائین تر باشد دارای مزیت نسبی در تولید آن نسبت به کالاهای دیگر است. بدین ترتیب نظریه هزینه فرصتهای از دست رفته بصورتی قابل قبول قانون مزیت نسبی را بیان می‌کند زیرا می‌پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیر همگن معمولاً به نسبت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. همچنین امکان افزایش هزینه فرصتهای از دست رفته را در تولید بیشتر هر کالا قبول دارد. باین ترتیب قانون مزیت نسبی را می‌توان بر حسب هزینه فرصتهای از دست رفته مختلف یا بر حسب اختلاف قیمت نسبی کالاها در کشورهای مختلف بیان کرد که اساس تجارت بین کشورها می‌باشد.

هابرلر از جمله نخستین افرادی است که بین تجارت خارجی و توسعه اقتصادی پیوند برقرار می‌کند. منابع پویای تجارت بین‌الملل از نظریه به شرح زیر است:

- ۱- منابع بین‌الملل ابزار مادی لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد.
- ۲- تجارت آزاد مهمترین سیاست ضد انحصاری است.
- ۳- تجارت بین‌الملل وسیله انتشار اطلاعات و تکنولوژی است.

تجارت ماشین تحرک و جابجایی بین‌المللی سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای عقب مانده است.<sup>۶</sup>

### نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین

نظریه هزینه نسبی ریکاردو تا حدودی علت تحقق تجارت را توضیح می‌دهد اما بیانی از اینکه چرا نسبت‌های

<sup>۵</sup> Jones & Kenen, 1996, pp: 10-11. Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

<sup>۶</sup> پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

هزینه نسبی برای کشورهای مختلف متفاوت است ندارد. این سؤال را هکشر و اوهلین<sup>۷</sup> جواب دادند و نظریه خود را بر اساس مفروضات زیر بنا کردند:

- ۱- دو کشور و دو کالا و دو عامل تولید وجود دارد.
- ۲- هر دو کشور از تکنولوژی یکسانی برخوردارند.
- ۳- بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد.<sup>۸</sup>
- ۴- وجود سلیقه‌های یکسان در هر دو کشور.
- ۵- وجود بازار رقابت کامل در بازار عوامل تولید و بازار کالاها.
- ۶- هزینه حمل و نقل وجود ندارد.
- ۷- تحرک کامل عوامل تولید در داخل و عدم تحرک در سطح بین‌المللی.
- ۸- قیمت کالاها برابر با هزینه نهایی آنهاست.

نظریه هکشر و اوهلین بر پایه مفروضات نظریه ریکاردو است ولی دارای یک فرض متعارف است. فرض اساسی در الگوی ریکاردو این بود که توابع تولید دو کشور برای کالاهای مشابه یکسان است ولی هکشر و اوهلین توابع تولید را در تمام کشورها مشابه می‌داند. این نظریه بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از این عوامل تولید تأکید دارد و با توجه به فروض بالا بیان می‌نماید که هر کشوری کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است لذا فراوانی نسبی عوامل بصورت قیمتهای عوامل داخلی نشان داده می‌شود و در تعیین مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا و فور نسبی عوامل تولید نقش دارند.<sup>۹</sup> این نظریه در تعیین قیمت عوامل، بخش عرضه را بر تقاضا ترجیح می‌دهد، در صورتیکه اگر بخش تقاضا در تعیین قیمت عوامل در نظر گرفته شود این امکان وجود دارد که کشوری دارای نیروی کار بیشتر به صادرات کالاها سرمایه‌بر بپردازد. این نظریه همچنین مطرح می‌کند که تجارت باعث حذف یا کاهش اختلاف در قیمت عوامل تولید میان کشورها می‌شود، البته این نظریه تا زمانی که ما با برگشت‌پذیری بازدهی عوامل تولید روبرو هستیم صادق می‌باشد و همچنین می‌توان نشان داد که تجارت ممکن است بر هزینه‌های کاهنده نیز استوار باشد.

عوامل تولیدی که در بالا به آنها اشاره شد عبارتند از نیروی کار سرمایه و زمین. هر گروه به بسیاری گروههای فرعی نیز تقسیم می‌گردد مثل نیروی کار ساده، نیمه ماهر و ماهر و کارفرمایان همینطور سرمایه نقدی و غیرنقدی زمین هم از انواع مختلف زمینهای کشاورزی، صنعتی و معدنی و غیره که باز هم آنها را می‌توان به اجزاء کوچکتر نیز تقسیم کرد. نظریه هکشر- اوهلین خود بر فروض خاصی استوار است که از آنجمله کشورها دارای سلیقه یکسانند، تکنولوژی مشابهی بکار می‌برند و بازده به مقیاس تولید ثابتی دارند ولی از نظر استعداد عوامل تولید به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت دارند. در صورتی که سلیقه‌ها یا شرایط تقاضا مشابه باشند اختلاف در استعداد عوامل تولید منجر به تفاوت در قیمت نسبی عوامل تولید میان کشورهای می‌شود که به نوبه خود منجر به تفاوت در قیمت نسبی کالاها و تفاوت در

<sup>7</sup> Heckscher - Ohlin

<sup>8</sup> Constant return to scale

<sup>9</sup> Jones & Kenen, 1996, pp: 20-11. Suranovic, Ch40, p 100, 1999.

تجارت می‌گردد. لذا در نظریه هکشر- اوهلین تفاوت بین‌المللی در شرایط عرضه به تنهایی الگوی تجارت را تعیین می‌کند و طبق این نظریه هر کشور به صدور کالایی دست خواهد زد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب را بکار برد. این نظریه به عنوان یک نتیجه‌گیری مهم اضافه می‌کند تحت شرایط شدیداً محدود کننده، تجارت موجب خواهد شد که اختلاف مطلق در قیمت عوامل تولید همه کشورهای که قبل از تجارت مشاهده می‌شود از بین برود. با این حال تحت محدودیتهای کمتر و شرایط عادیت‌تر، تجارت تفاوت قیمت مطلق عوامل تولید را که قبل از مبادله بوده کاهش می‌دهد ولی بطور کلی از بین نمی‌برد. به هر صورت نظریه هکشر- اوهلین در مورد اینکه چگونه تجارت روی قیمت عوامل تولید و توزیع درآمد هر کشور اثر می‌گذارد مطالب سودمندی ارائه می‌دهد که اقتصاددانان کلاسیک راجع به آن صحبت نکرده بودند.

### نظریه مزیت نسبی لیندر

لیندر<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۶۱ نظریه فراوانی عوامل تولید را ارائه نمود. بر اساس این نظریه فراوانی عوامل تولید فقط در مورد کالاهای اولیه مصداق دارد و در مورد کالاهای صنعتی کاربردی ندارد. وی معتقد بود که یک کشور در ابتدا کالاهای خود را برای بازارهای وسیع داخلی تولید می‌کند، و این تولیدات شامل کالاهایی است که از طرف اکثر مردم تقاضا می‌شود و بعد از آن است که آن کشور تجربه لازم را برای صادرات آن کالاها به سایر کشورها حتی با وجود درآمد سرانه یکسان و نسبت یکسان سرمایه و نیروی کار بدست می‌آورد و شروع به تجارت با آن کشورها می‌کند. این نظریه بر خلاف نظریه هکشر و اوهلین است زیرا که آنها معتقد بودند که دو کشور با مشخصات فوق دارای هزینه‌های نسبی یکسانی هستند لذا حجم تجارت بر خلاف نظریه لیندر پایین است. نظریه لیندر فقط در کشور سوئد مورد تأیید واقع شد و از نظر کاربردی ضعیف است.<sup>۱۱</sup>

### آزمون تجربی لئونتیف

پیشنهاد اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا بکار برد و محصولی را وارد کند که عامل تولید نسبتاً کمیابش را در تولید آن محصول بکار گیرد.

لئونتیف<sup>۱۲</sup> به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که می‌بایست صادر کننده کالاهای سرمایه‌بر باشد صادر کننده کالاهای کاربر است. این نتیجه معمای لئونتیف<sup>۱۳</sup> شهرت یافت.<sup>۱۴</sup> لئونتیف علت این نتیجه‌گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارفرمایی برتر آمریکائیان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پر کیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود. البته بعدها اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتزکنن در صدد رفع این معما بر آمدند. علت این تناقض را بیشتر در مورد سرمایه انسانی یا نیروی کار متخصص در آمریکا می‌دانند.

<sup>10</sup> Staffan Linder

<sup>11</sup> نوربخش، ۱۳۷۵. ص ۲۴ و دولت‌شاهی، ۱۳۷۱، صفحه ۲۰.

<sup>12</sup> Leontief

<sup>13</sup> Leontief Paradox

<sup>14</sup> رحیمی بروجردی ۱۳۷۴، صص ۲۰-۲۵ و پورمقیم ۱۳۷۵، صص ۱۰۲.

تاکنون راجع به عوامل پویا در تجارت بین‌الملل صحبت نکردیم ولی می‌دانیم که هرگاه تکنولوژی تغییر کند پیشرفتهای تکنولوژیک بهره‌وری عوامل تولید کشور را افزایش می‌دهد و با تاثیری که بر منحنی امکانات تولیدی می‌گذارد موجب افزایش عرضه عوامل تولید می‌گردد. ابداعات تکنولوژیک ممکن است به سه نوع اتفاق بیافتد در جهت صرفه‌جویی نیروی کار در کل اقتصاد، در جهت صرفه‌جویی سرمایه و یا کار و سرمایه با یکدیگر. حتی اگر سلیقه مردم هم بدون تغییر باقی بماند این امر موجب می‌شود رابطه مبادله، حجم تجارت و توزیع منافع حاصل از تجارت میان دو کشور تغییر پیدا کند. به طور مشخص تر اگر سلیقه مردم یک کشور از کالای وارداتی به سوی کالای صادراتی تغییر جهت دهد حجم تجارت تنزل یافته و رابطه مبادله کشور بهبود می‌یابد. عکس این وضعیت نیز ممکن است اتفاق بیافتد ولی با این وجود چون نقشه منحنی بی‌تفاوتی کشور در نتیجه سلیقه مردم تغییر می‌کند نمی‌توانیم در مورد رفاه مردم آن کشور بررسی دقیقی نمائیم.

### موافقان و مخالفان جهانی سازی

از زمان آدام اسمیت اقتصاددانان بر آثار مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بودند. طبق نظریات اقتصادی تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر رشد منجر می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجائیکه بنگاهها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند لذا انگیزه و امکان بیشتری در بکارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر منجر به افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالصی داخلی و نتیجتاً رفاه جامعه می‌شود. همچنین بازبودن تجارتی را سبب دست یافتن بنگاههای یک کشور به دانش و فن آوری کشورهای دیگر و بهره‌برداری از آنها به منظور افزایش بهره‌وری تولید تعریف می‌کنند و از جمله مجراهای عمده چنین امری سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی است.

درجه باز بودن اقتصاد با نسبت کالاهای قابل تجارت به تولیدات واقعی هر کشور اندازه‌گیری می‌نمایند. یک معیار درجه باز بودن اقتصاد نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود. بالاخره درجه باز بودن اقتصاد براساس معیارهای حساب سرمایه عبارت از نسبت خروج سرمایه به تولید ناخالص ملی می‌باشد. هرچه اقتصاد بازتر باشد امکان استفاده از مزایای تجارت و تخصیص بهتر منابع وجود خواهد داشت.

مزیت دیگر تجارت آزاد را در قالب بهبود وضعیت مدیریت کشورها نیز برشمرده‌اند زیرا مسئولین مجبور می‌شوند سیاست‌های سنجیده‌تری در اقتصاد کلان ایجاد کنند تا موجب تقویت بنگاههای داخلی در جهت رقابت در بازارهای جهانی و نیز جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی شوند. تحقیقات زیادی نیز آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی بر روی رشد اقتصادی را بررسی نموده و نشان می‌دهند که هر یک درصد افزایش در نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی (FDI/GDP) رشد سالانه GDP را در حدود ۰/۳٪ افزایش می‌دهد لذا چنین نتیجه‌گیری می‌نمایند که آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به تشدید رشد می‌انجامد.

بر این اساس برخی از اقتصاددانان جهانی سازی را به عنوان یک نیروی محرک قوی می‌دانند که کلید توسعه اقتصادی دنیای آینده را در دست خواهد گرفت. ولی گروه دیگر عقیده دارند که با این کار نابرابری بین ملت‌ها افزایش می‌یابد، مشاغل کمتر می‌شوند و موانعی برای استانداردهای زندگی و پیشرفت اجتماعی پدید می‌آید.

دیوید هلد در کتاب جهانی شدن و مخالفان آن به گروه‌بندی جالبی در این مورد می‌پردازد. او از یک سو به

تعلقات منفی محافظه کاران و عناصر بومی و ملی اشاره دارد و به قول او نگرانیهای ملی گرایانه آنها را مانع از نگرش مثبت به جهانی شدن می‌داند. اما به هر حال جدیدترین مخالفان فرآیند جهانی شدن، نه محافظه کاران بلکه مارکسیست‌ها هستند. مارکسیست‌ها پدیده جهانی شدن را پدیده‌ای امپریالیستی می‌دانند که با یک ایده‌نولوژی توجیه‌گر به دنبال مشروعیت بخشیدن به پروژه «نئولیبرالی جهانی شدن» می‌باشند. طبق نظر آنها روابط اقتصادی یا سیاسی مشروط به سیاست‌ها و اولویت‌های اتخاذ شده توسط قدرت‌های بزرگ امروز است، زیرا فقط آنها از توانایی نظامی و اقتصادی کافی جهت ایجاد و حفظ شرایط لازم برای نوعی نظم باز نئولیبرالی بین‌المللی برخوردارند. مطابق استدلال آنها بدون اعمال سلطه آمریکا، نظم جهانی لیبرالی موجود که پایه و اساس افزایش وابستگی متقابل بین‌المللی را تشکیل می‌دهد قادر به ادامه حیات نیست از این لحاظ جهانی شدن چیزی بیش از آمریکایی شدن به حساب نمی‌آید.

گروهی از نظریه پردازان مشهور روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی نیز همچون ایمانوئل و والرشتاین و طرفداران آنها معتقدند که جهانی شدن با ظهور و رشد نظام جهانی سرمایه‌داری از قرن شانزدهم شروع شد و گروهی نیز با تأکید بر قدیمی بودن این پدیده کلاً پنج مرحله اصلی برای آن از قرن پانزدهم تا پایان قرن بیستم در نظر می‌گیرند و آنان را مراحل جنینی، نخستین، خیزش (۱۸۷۰-۱۹۲۰)، مبارزه برای برقراری هژمونی (از دهه ۱۹۲۰) و مرحله ناطمینانی (از دهه ۱۹۶۰ به بعد) می‌خوانند.

اغلب نظریه‌های جهانی شدن بر تضعیف نقش دولتها و از میان رفتن مرزها و در نتیجه گسترش پدیده جهانی شدن تأکید دارند و برخی از نظریه پردازان حتی از نابودی دولت و از میان رفتن آن سخن می‌گویند. برای نمونه برخی همانند اوهم احتمال محو دولتها از حیات و صحنه سیاسی را مطرح کرده‌اند. برخی پژوهشگران نیز از تأثیر جهانی شدن بر تضعیف هویت قومی و ملی سخن می‌گویند.

برخی از اینان بر این باورند که نیروهای جهانی به ویژه شرکت‌های فراملی و سایر نهادهای اقتصادی جهانی با تشییع و تقویت فرهنگ جهانی با اعتقادات و ایدئولوژی‌های گوناگون جهان‌گرا آنقدر قدرتمند می‌شوند که وجود مداوم دولت‌های ملی را مزاحم فعالیت خود می‌بینند.

برخی جهانی شدن اقتصاد را روند افزایش ادغام بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید می‌دانند. براساس این تعریف جهانی شدن سبب ادغام بیشتر اقتصادها در یکدیگر می‌شود و بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید کار و سرمایه به سمت همگون شدن پیش می‌روند. ادغام بازار کالاها از طریق کاهش موانع تجاری تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صورت می‌گیرد و خدمات متفاوت و بازارهای عوامل تولید براساس ترتیبات تجاری بین‌المللی در بازارهای یکسان مبادله می‌شوند.

مدافعان بازار آزاد بر این باورند که تبادل نامحدود و فرامرزی کالاها به سود همه شرکت کنندگان در بازار است و به رفاه هرچه بیشتر ملل می‌انجامد. مخالفان این نظر ابراز می‌دارند که وقتی یک شرکت فراملیتی در جایی که نیروی کار ارزان و هزینه بیمه خدمات اجتماعی و زیست محیطی صفر است تولید می‌کند مخارج مطلق خود را کاهش می‌دهد و رهاورد چنین پدیده‌ای کاهش همزمان بهای کالای تولیدی و نیز ارزش نیروی انسانی در کشورهای مرفه است. سودی که از این راه بدست می‌آید ناچیز نیست و مکانیسم‌های سنتی اقتصاد جهانی را دگرگون می‌نماید. بکارگرفتن بهتر سرمایه‌ها در تولیدهای فرامرزی به شکل‌گیری سازمان‌های غول‌آسایی به نام کمپانی‌های فراملیتی انجامیده است، سازمانهایی که قدرتی فزاینده و کنترل‌ناپذیر دارند و با سلب اختیار از شهروندان آنها را مرعوب



ساخته‌اند. به این ترتیب مشاهده می‌شود به جای آنکه کشورها و شرکت‌های ملی در فروش محصولات رقابت کنند کارگران جهان برای بدست آوردن فرصت‌های شغلی، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا در مراکز تولید سازمان یافته جهانی اجازه کار پیدا کنند. لذا بر این باورند که این پروسه به چارچوب اقتصاد ملی آسیب وارد می‌نماید زیرا اولاً نوآوری فنی و عقلایی کردن تولید، آنچنان فعالیت‌های اقتصادی را به شتاب انداخته که هدف آن را با پرسش روبرو ساخته است. برای مثال نرخ بهره وری سریع‌تر از بازدهی تولید رشد داشته است. رهاورد این فرآیند پدید نیامدن فرصت شغلی جدید به رغم رشد اقتصادی است. این وضعیت به Great Jobless شهرت یافته است یعنی نوعی رشد اقتصادی که هیچ فرصت اشتغال جدیدی پدید نمی‌آورد. ثانیاً به تغییر اساسی رابطه سرمایه و کار انجامیده است. همبستگی جهانی که روزگاری حربه تبلیغاتی جنبش‌های کارگری علیه دولت‌ها و سرمایه‌داران جنگ طلب بود، اینک ابزار طرف مقابل گشته است. کارگرانی که فقط در تشکیلات ملی سازمان یافته‌اند، در مقابل کمپانی‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند که هر درخواستی را با تهدید انتقال مکان تولید پاسخ می‌دهند. به نظر این گروه از مخالفان جهانی شدن شعار «رفاه از طریق تجارت آزاد» برای سرمایه‌گذاران و رؤسای شرکت‌ها اعتبار دارد ولی بر این عقیده‌اند شعار «رفاه از طریق تجارت آزاد» برای کارگران و کارمندان شرکت‌ها به ویژه بیکاران کشورهای توسعه نیافته که همچنان بر تعدادشان افزوده می‌شود جذابیت ندارد. این موضوع علیرغم رقابت کشورها در جذب سرمایه و ایجاد اشتغال است.

بسیاری از مخالفان جهانی سازی از دیدگاه‌های مختلف و حتی از زمینه‌های رشد و توسعه پایدار بر این باورند که واقعیت اینست که نرخ رشدی که از آزادسازی اقتصادی پیش‌بینی می‌شود بدست نمی‌آید و در عوض نتیجه این کار فساد تدریجی فرهنگ و محیط زیست و گستره رو به تزاید فسادهای اجتماعی خواهد بود. در این ارتباط این گروه معتقدند که برخلاف گزارش بانک جهانی که مسئله اصلی در مقوله جهانی شدن و اقتصادهای نئولیبرال در حوزه تجارت آزاد را حداقل کردن نقش دولت و حذف محدودیتها در جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم دانسته است و برتری اینگونه سیاستها را با اشاره به موفقیت‌های کشورهای شمال (ثروتمند) در مقابل جنوب (فقیر) اظهار کرده است، اینگونه ادعاها از سوی کشورهای جنوب مورد سوال قرار گرفته است. مطالعات انجام شده از سوی کشورهای جنوب بر این موضوع اصرار دارند که تحقیقات انجام شده در گزارشات بانک جهانی بر اساس تفاسیر غلط از حقایق می‌باشد. گزارشات به موارد زیر اشاره می‌کنند:

۱. آزادسازی و جهانی سازی هر دو در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به طور جمعی و طی سالیان متمادی بصورت روندی ناپیوسته مطرح بوده است. به هر حال در یک سطح عملی می‌توان این دو را کم و بیش روند تجارت آزاد در رابطه با تولیدات کارخانه‌ای و آزادی تحرک سرمایه بین کشورهای صنعتی پیشرو طی دهه‌های اخیر دانست. این موضوع بویژه نه فقط در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بلکه بطور موثری در مقایسه با وضعیت اقتصادی آنها طی دهه‌های پنجاه و شصت مشهود است. در دهه‌های فوق اکثر کشورها تحت نظام برتون وودز نه تنها سیستم کنترل سرمایه را اعمال می‌نمودند بلکه تولید داخلی، بازارهای سرمایه و نیروی کار آنها نیز در راستای اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها تحت پوشش مقررات و قوانین گسترده‌ای بود.

۲. انتظار می‌رفت که نظام آزاد در کشورهای پیشرفته صنعتی طی دهه‌های اخیر در رابطه با تحرکات تجارت و سرمایه موجب بهبود وضعیت اقتصادی آنها گردد. در حالیکه این انتظار به حقیقت نپیوست و اقتصاد آزاد نتوانست بسیاری از انتظارات را برآورده سازد.

۳. ده‌های اخیر در کشورهای صنعتی با مشخصه نوسان و کندی رشد اقتصادی و بیکاری انبوه و مشکلات اجتماعی مشخص می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت دوره پویاتر در کشورهای صنعتی پیش از دوران مقررات زدایی در بازارهای داخلی و خارجی بوده است.
۴. بیکاری انبوه کشورهای اروپایی در دهه‌های اخیر شکست مهم ناشی از اقتصاد آزاد بوده است. سطوح بالای بیکاری همراه با فقر و تداوم روند آزادسازی، نیاز به سیاستهای حمایتی را تأیید می‌نماید.
۵. شکستهای اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را نمی‌توان به دلیل عوامل خارجی از قبیل فن آوری دانست. نتیجه اصلی اینست که آزادسازی از طریق عملکرد سرمایه و بازارهای مالی به دورنمای اقتصاد و رشد کشورهای پیشرفته صنعتی از دو طریق مشخص اما به هم مربوط، زیان وارد ساخته است. نخست آنکه بدلیل موج بودن بازارها هزینه سرمایه بالا رفته و به سرمایه‌گذار بطور مستقیم و یا غیرمستقیم (از طریق بالا رفتن نرخ بهره واقعی) صدماتی وارد ساخته است. در ثانی، بازارهای مالی به طور کلی دولت‌ها را وادار ساخته است که سیاستهای تورم زدایی یا کاهش رشد را دنبال نمایند.
۶. تحت یک رژیم اقتصاد آزاد احتمال کمی دارد که کشورها بتوانند روند نرخ رشد خود را با استفاده از سیاستهای جاری مبنی بر انعطاف‌پذیری بازارهای نیروی کار بالا ببرند. جهانی سازی نه فقط نمی‌تواند به رشد اقتصاد و اشتغال کمک نماید حتی احتمال می‌رود که در داخل کشورهای صنعتی نیز موضوع تقسیم نیروی کار را پدید آورد. به علاوه موجب بدتر شدن کشمکش‌های بین کارگران کشورهای صنعتی و در حال توسعه شود.
۷. در رابطه با کشورهای در حال توسعه، آزادسازی و جهانی سازی در این کشورها در مقایسه با کشورهای پیشرفته در روندی کندتر اتفاق افتاده است. علیرغم بکارگیری اصلاحات گسترده سیاستهای تجاری در کشورهای در حال توسعه هنوز گستره سیاست آزاد سازی توسط این کشورها کاملاً محدود است. آزادسازی جریان سرمایه در کشورهای در حال توسعه بیش از اصلاحات تجاری و عمدتاً بخاطر جذب سرمایه مستقیم خارجی بوده است.
۸. سیاستهای آزادسازی و جهانی سازی و کاهش نقش دولت از سوی موسسات مالی چندجانبه برای کشورهای در حال توسعه توصیه شده است و ادعا گردیده است که پیاده نمودن چنین سیاستهایی برای اقتصاد کشورهای آسیایی شرقی (شامل ژاپن پس از سال ۱۹۴۵) و چین پس از مائو، موفقیت‌آمیز بوده است. در صورتی که تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان می‌دهد که این کشورها طی دوران صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی خود آن دسته سیاستهایی را پذیرفته‌اند که کاملاً مخالف با سیاستهای پیشنهاد شده از سوی سازمانهای مالی چندجانبه بوده است. برای مثال در دوره مناسبی این دو کشور بطور گسترده‌ای به کنترل واردات خود پرداخته و موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی بوجود آوردند و سیاستهای شدید هدایت صنعتی دولتی را پیش گرفتند و به این طریق توانستند به تغییرات ساختاری گسترده‌ای دست بزنند و سطح زندگی مردم خود را بالا ببرند.
۹. وضعیت درخشان اقتصادی چین در دوران پس از مائو نشان می‌دهد که این کشور از الگوی توسعه بانک جهانی که مبنی بر خصوصی سازی، آزادسازی و بازار رقابتی انعطاف پذیر که برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع ضروری است تبعیت ننموده است. گرچه سیاست بازار نیز تا حد زیادی در چین بکار گرفته شد ولی بازارها در چین چندان منعطف و رقابتی نبودند. از سوی دیگر در بسیاری از بازارهای مهم همانند سرمایه، کار و زمین کمتر می‌توان این سیاست را مشاهده کرد.

۱۰. گفته می‌شود که سیاستهای نئولیبرالی پذیرفته شده توسط دولتهای آمریکای لاتین تحت قیمومت مؤسسات برتون وودز در دهه گذشته لزوماً بهترین نوع آن نبوده است و علت عدم موفقیت این کشورها در حصول رشد اقتصادی بدین سبب بوده است. مخالفین نظر فوق در پاسخ ابراز می‌دارند که اتخاذ چنین سیاستهایی شامل آزادسازی مالی بیشتر و غالباً رقابت بین‌المللی می‌باشد که در زمانی که بخشهای بزرگی از اقتصاد ملی در وضعیت ضعیفی قرار دارند که خود ناشی از تداوم عدم سرمایه‌گذاری کافی بدلیل بحران بدهی می‌باشد اوضاع را وخیم‌تر می‌نماید.

۱۱. در رابطه با اقتصاد کشورهای آفریقائی، بطور ضمنی می‌توان اینگونه بیان کرد که وضعیت موجود بدلیل اوضاع ضعیف اقتصادی آنهاست که ناشی از ادغام بیشتر آنها در اقتصاد جهان می‌باشد. این کشورها در معرض شوکهای شدید خارجی ناشی از نرخهای بهره و قیمت‌ها قرار گرفتند که وخامت اوضاع آنها را در تعامل بیشتر با کشورهای جهان رفع نمود.

۱۲. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بدون توجه به سطوح توسعه و درجه ادغام آنها در اقتصاد جهان تقریباً کلیه کشورهای در حال توسعه در کلیه مناطق علائق و وابستگی‌های مشترک در رابطه با موضوعات جهانی شدن و همچنین مقوله‌های آزادسازی و جهانی سازی دارند. این کشورها با یکدیگر می‌توانند سکوی مذاکراتی قوی از کشورهای در حال توسعه تشکیل دهند و محور مذاکرات خود را بر موضوعات زیر متمرکز سازند:

فشارهای مداومی از سوی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آمریکا به انکتاد که از نمایندگیهای سازمان ملل می‌باشد وارد آورده می‌شود. بنابراین ضروری است که انکتاد (کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه) مورد حمایت کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. از طرف دیگر انکتاد می‌تواند پایگاه سیاسی برای گسترش همکاری بین شمال و جنوب باشد. باید توجه نمود که مشکلات توسعه اقتصادی کشورها در آینده نزدیک قابل حل نیست و مذاکرات در این زمینه می‌تواند به طول بیانجامد. برای کشورهای جنوب ضروری خواهد بود که انکتاد را به عنوان ارگانی که می‌تواند رویه‌ها و استراتژیهای برای کشورهای در حال توسعه در چارچوب جهانی سازی را ارائه دهد بشمار آورند.

بهرحال انتخاب اولین بهترین سیاست در رابطه با آزادسازی و جهانی سازی به معنای سعی در ادغام سریعتر و نزدیکتر نیست بلکه در عوض تعریف سیاستهای دقیق از ادغام اختیاری یا به زبان دیگر یک نوع ادغام استراتژیک است. اگر طبق دور مذاکرات اروگوئه اجرای برخی سیاستها قابل پذیرش نباشد انکتاد می‌تواند سیاستهای دیگری ارائه دهد. باید این سیاستها به نحوی باشند که مناسب قالبهای فرهنگی هر جامعه‌ای نیز باشد. این کار بویژه در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای که واحدهای تولیدیشان هنوز قدرت رقابت بین‌المللی ندارند بسیاری ضروریست.

مذاکرات دور اروگوئه بهتر است مورد ارزیابی قرار گرفته و انکتاد فرضیه‌های لازم را برای این مذاکرات فراهم سازد. برای مثال همه سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی سودآور نیستند. شواهد تاریخی و تجربی نشان می‌دهد که مقدار سرمایه‌گذاری خارجی چندان مهم نیست بلکه ماهیت سرمایه‌گذاری و انواع ارتباطاتی که با اقتصاد داخلی برقرار می‌نماید مهم است. بهر حال انکتادی با بنیادهای جدیدتر و قوی‌تر نیاز است تا به بحث در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری بپردازد. تا اینکه تحت پوشش موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذارها بتواند منافع کشورهای در حال توسعه را نیز در برگیرد.

نقش مهم دیگر انکتاد در تحولات اقتصادی جهانی در رابطه با سیاست رقابت می‌باشد. زمانی که شرکتهای

چند ملیتی در عوض رقابت با یکدیگر به رقابت با بازارهای داخلی کشورهای در حال توسعه پرداخته و آنها را بین خود تقسیم می‌کنند، نقش آنکتاد در کسب تجربه برای مقابله با آنها مهمتر می‌شود.

تعداد رو به تزاید گروههای منطقه‌ای که در میان خود تجارت خاصی را انجام می‌دهند و ترتیبات سرمایه‌گذاری خاصی دارند بین کشورهای عضو مسائلی به وجود می‌آورد که مستلزم بررسیها و نظارت آنکتاد می‌باشد. ضمناً فراهم نمودن کمکهای فنی نیز از مقولات دیگر مورد نظر در آنکتاد می‌تواند باشد. مقوله جهانی‌سازی اگر موجب ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای در حال توسعه با خودشان نگردد مفهوم اصلی خود را نمی‌تواند حفظ نماید. از جمله دیگر وظایف آنکتاد باید در جهت ایجاد همکاری بین جنوب با جنوب در زمینه جریانهای تجاری، فنآوری و اطلاعات باشد.

### روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرحهای تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

وضع تعرفه معمولاً رابطه مبادله کشور را بهبود می‌بخشد حجم تجارت را کاهش می‌دهد و ممکن است رفاه کشور را بهبود بخشد ولی ممکن است کشورهای دیگر نیز اقدام متقابل بکنند که در این صورت هر دو کشور معمولاً زیان می‌کنند. استدلالاتی در حمایت از تعرفه شده است که مهمترین آنها می‌گوید تعرفه برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی در مقابل سیاست ارزان فروشی کالاهای وارداتی دیگران است، تعرفه موجب رشد صنایع داخلی می‌شود تا آنکه به کارآیی برسند و اینکه تعرفه در جهت حمایت از صنایعی است که از نظر دفاع ملی اهمیت دارد. به هر حال همه این استدلالات باید در هر مورد خاص دقیقاً ارزیابی شوند. دلایل مختلف دیگری از قبیل ایجاد اشتغال و برقراری توازن در موازنه تجاری و حتی اهداف غیر اقتصادی نیز گاه عنوان می‌شوند که اهمیت خاص خود را دارند.

تجربه سالهای بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. در حقیقت جنگ جهانی اول مشکلات زیادی برای کشورهای اروپایی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش ارزش پول و بیکاری گسترده بوجود آورد که دولتهای اروپایی و آمریکا را وادار نمود تا با اجرای سیاستهای حمایتی و اقدامات تلافی جویانه از صنایع خود حمایت نمایند. پس از گذشت حدود ده سال از جنگ جهانی اول

کشورهای اروپایی اقتصاد را بازسازی کردند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه‌ای توسعه داده و باین ترتیب وجود محدودیتها مانع از شکوفایی تجارت بین‌الملل می‌شد. به همین دلیل کنفرانسی زیر نظر جامعه ملل در سال ۱۹۲۷ در شهر ژنو تشکیل شد تا موانع تجاری را برطرف نموده و راه را برای ایجاد یک لیبرالیسم اقتصادی فراهم نمایند و کشورها را برای رعایت شرط دول کامله الوداد<sup>۱۵</sup> (رفتار برابر با یکدیگر) آماده نماید. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس به صورت توصیه و سفارشات ارشادی باقی ماند و جامه عمل نپوشید.

رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد.<sup>۱۶</sup> این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند. از سوی دیگر بروز جنگ جهانی دوم و بروز خشونت‌ها و لزوم ترمیم خرابیهای جنگ نظریه تنظیم روابط تجاری بر اساس رقابت سالم را بیشتر تقویت کرد. کشورهای عمده تجاری موافقت کردند تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) همراه با بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول بوجود آیند. ولی از آنجائیکه آمریکا آنرا تهدیدی برای حق حاکمیت آمریکا دانست سازمان یاد شده بوجود نیامد.

در سال ۱۹۳۴ رئیس جمهور آمریکا طبق قانون مجاز شد تا با کشورهای دیگر در جهت کاهش تعرفه‌های متقابل مذاکره کند. در سال ۱۹۴۵ این قانون بار دیگر بوسیله کنگره آمریکا مطرح و تمدید گردید و طبق آن تعدادی از کشورها برای انجام مذاکرات چند جانبه در مورد کاهش تعرفه‌های تجاری با یکدیگر به مذاکره نشستند در همین زمان اولین قطعنامه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشورها را برای تهیه پیش‌نویس یک سازمان تجاری دعوت کرد. در کنفرانس ژنو، سه موضوع مطرح گردید کاهش تعرفه‌های گمرکی، تهیه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و پیش‌نویس سازمان تجارت بین‌الملل. ناگفته نماند که در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ) به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا روزولت کنفرانسی نیز با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تاسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) نیز امضاء شد که این کارها را می‌توان به عنوان تلاشی برای جلوگیری از بازگشت به هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول حاکم شده بود قلمداد کرد.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل نیز مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیت‌های تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. برای تاسیس این سازمان در سال ۱۹۴۵ آمریکا برگزاری کنفرانسی را پیشنهاد کرد که سرانجام در سال ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد. ولی این کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت. متعاقب این کنفرانس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند کشور از جمله آمریکا را مسئول پی‌گیری تاسیس سازمان تجارت بین‌المللی کرد. این کمیته مقدمات تهیه منشور تجارت جهانی را تدارک دید. متعاقب آن در سال ۱۹۴۸ کنفرانسی در هاوانا با شرکت ۵۶ کشور جهان

<sup>15</sup>- Most Favoured Nations

<sup>16</sup> - Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-

برگزار گردید. در این کنفرانس منشور تهیه شده مورد اعتراض بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بنابراین پیشنهادهای دیگری هم به آن اضافه شد. کنفرانس هاوانا جدای از مساله تجارت به موضوعات دیگر نیز نظیر اشتغال، توسعه و فعالیت کارتلها هم پرداخت. چون کشورهای در حال توسعه منشور هاوانا را به نفع کشورهای پیشرفته می دانستند و کشورهای پیشرفته نیز آن را به سود کشورهای در حال توسعه می دیدند عملاً فقط کشورهای استرالیا و لیبریا موفق به تصویب آن در پارلمان خود شدند و سایر کشورها حتی آمریکا که خود از طراحان آن بود نتوانستند آن را به تائید کنگره خود برسانند.

هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) ملحق شود. طرح کامل آن ابتدا با استقبال ۵۰ کشور مواجه شد این بود که سازمان تجارت بین المللی (ITO) به عنوان یک کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد تاسیس شود. منشور (ITO) بسیار بلند پروازانه بود که فراتر از نظامات تجارت جهانی قرار داشت و شامل مقررات اشتغال، موافقتنامه های کالایی رویه های کسب و کار محدودکننده، سرمایه گذاری بین المللی و خدمات می شد.

بنابراین سازمان تجارت بین المللی (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی، قراردادی مشتمل بر چند ماده بود که میان ۲۳ کشور (۱۶ کشور در حال توسعه و ۷ کشور پیشرفته) منعقد گردید. این قرارداد به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید که از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد. پیمان گات به خاطر تحقق اهدافی منعقد گردید که از آن جمله می توان به افزایش اشتغال، تولید، درآمد واقعی و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو اشاره کرد. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی شود و تجارت جهانی نیز توسعه نمی یابد مگر با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین المللی که البته استثنائات متعددی نیز داشت که مبتنی بر ضرورت های سیاسی و اقتصادی بود.

عدم ایجاد سازمان تجارت بین المللی از یک طرف و ادامه حیات گات باعث شد تا گات رفته رفته وظایف سازمانی و تشکیلاتی بیابد و عملاً به عنوان یک سازمان بین المللی تجاری ادامه فعالیت نماید.<sup>۱۷</sup>

### موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد و در طول این دوره رشد بازرگانی بین المللی از نرخ بالایی برخوردار بود. این سازمان بسیار خوب استقرار یافت اما در طول ۴۷ سال یک سازمان و موافقتنامه موقتی بود.

نحوه فعالیت گات تاکنون انجام مذاکرات تجاری به منظور کاهش و الزام آور نمودن محدودیت تعرفه های گمرکی و دیگر موانع تجاری موجود بر سر راه مبادلات بین المللی بوده است بطوریکه از سال ۱۹۴۷ تا به امروز نه دور مذاکرات علاوه بر نشست های سالانه بین کشورهای عضو بعمل آمده است که در زیر ذکر شده اند.

نتیجه اولین دور مذاکرات توافق راجع به ۴۵۰۰۰ مورد امتیازات تعرفه ای بود که بر ۱۰ میلیارد دلار تجارت که حدود یک پنجم کل تجارت جهان را در بر می گرفت اثر داشت. ۲۳ کشور شرکت کننده همچنین توافق کردند که باید

<sup>17</sup> Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995) P. 32.

برخی از قواعد تجاری مندرج در منشور (ITO) را نیز بپذیرند. آنها معتقد بودند که این کار باید به سرعت و در عین حال به صورت موقتی انجام شود تا از ارزش امتیازات مورد مذاکره حمایت شود. این در حالی است که منشور (ITO) همچنان در دستور مذاکره بود.

علیرغم تلاش زیاد در مذاکرات چهار دوره آنسی، تورکوئی، ژنو و دور دیلون، کاهش اندک نرخهای تعرفه‌ای حاصل گردید. عمده دلایل این امر را می‌توان تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EC) و عدم تمایل اعضای آن به اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهای غیر عضو و نیز عدم تمایل کشور انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع به کاهش ترجیحات تجاری خود ذکر نمود. به علاوه در این ادوار شیوه مذاکره کالا به کالا نیز تقریباً به حالت اشباع رسیده بود. در دور کندی بر خلاف چهار دور مذاکرات قبلی پیشرفتهای چشمگیری حاصل گردید و مجدداً گروه وسیعی از محصولات به ویژه محصولات صنعتی مورد مذاکره قرار گرفتند که به کاهش متوسط تعرفه‌های صنعتی از ۳۶ تا ۳۹ درصد منجر گردید. عمده دلایل این امر کاهش قدرت انگلستان در ارتباط با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و استفاده از پذیرش اصل کاهش عمومی به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بود. بر اساس این اصل به جای مذاکره در مورد تک تک کالاها هر یک گروه از کالاها مثل کالاهای صنعتی یا گروهی از کالاهای صنعتی انتخاب می‌گردیدند و مذاکره در مورد این گروه صورت می‌پذیرد و نتایج حاصل شده به تمامی کالاهای گروه گسترش می‌یافت. به علاوه در این دور مذاکرات به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه آنها از رعایت در اصل دول کامله الوداد و اصل معامله متقابل معاف گردیدند. همچنین مذاکراتی در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای صورت پذیرفت.

#### دوره‌های تجاری گات

کشورها	موفقیت	محل	سال
۲۳	گات قدرت اجرایی یافت	ژنو	۱۹۴۷
۱۳	کاهش تعرفه‌ها	آنسی فرانسه	۱۹۴۹
۳۸	کاهش تعرفه‌ها	تورکوئی (انگلستان)	۱۹۵۱
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو	۱۹۵۶
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو (دور دیلون)	۱۹۶۰ - ۱۹۶۱
۶۲	قوانین ضد دامپینگ	ژنو (دور کندی)	۱۹۶۴ - ۱۹۶۷
۱۰۲	کاهش محدودیتهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای	دور توکیو	۱۹۷۳ - ۱۹۷۹
۱۲۳	تشکیل سازمان جهانی	دور اروگوئه	۱۹۸۶ - ۱۹۹۴
۱۵۲	رفع موانع غیر تعرفه‌ای کشاورزی و محیط زیست و اعطای یارانه و قوانین ضد دامپینگ	دور دوحه	۲۰۰۰ - ۲۰۰۸

مذاکرات دور توکیو به مذاکرات چند جانبه تجاری معروف شده است. دور توکیو با حضور ۱۰۲ کشور از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ به طول انجامید. این دور از مذاکرات به تلاش‌های گات برای کاهش فزاینده تعرفه‌ها ادامه داد. موضوعات مورد بحث در این دور علاوه بر کاهش بیشتر تعرفه‌های گمرکی به موانع غیر تعرفه‌ای و سایر اقداماتی که

باعث تحریف تجارت بین‌الملل می‌گردند (از قبیل دامپینگ) نیز تسری یافت. به علاوه در این دور توجه خاصی به مسائل تجاری کشورهای در حال توسعه معطوف گردید و بر این اساس سیستم ترجیحات عمومی که در کل برای کشورها شرایط آسانتری را در نظر می‌گرفت بوجود آمد.

در نتیجه این دور از مذاکرات، به طور میانگین یک سوم حقوق و عوارض گمرکی در نه بازار بزرگ صنعتی پائین آمد و میانگین تعرفه محصولات صنعتی نیز ۴/۷ درصد کاهش یافت. کاهش تعرفه‌ها در یک دور هشت ساله مرحله‌بندی شدند.

در موضوع‌های دیگر، دور توکیو نتایج متفاوتی داشت این دور نتوانست با مشکلات اساسی که بر تجارت محصولات کشاورزی اثر می‌گذاشت مقابله کند و تهیه موافقتنامه جدید در خصوص حفاظت‌ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) متوقف شد. با وجود این در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای موافقت‌هایی شکل گرفتند که در برخی موارد مقررات گات را تفسیر می‌کردند و در موارد دیگر از پیدایش زمینه‌هایی کاملاً جدید خبر می‌دادند. در اکثر موارد تعداد کمی از اعضای گات (عمدتاً صنعتی‌ها) این ترتیبات و موافقتنامه‌ها را امضاء کردند از آنجا که تمام اعضای گات آنها را نپذیرفتند به صورت غیررسمی مجموعه مقررات نامیده می‌شوند. این موافقتنامه‌ها چند جانبه نبودند اما نقطه شروع به حساب می‌آمدند. تعدادی از این مجموعه مقررات در دور اروگوئه اصلاح شدند و به تعهدات چند جانبه تبدیل گشتند که توسط تمام اعضای سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. تنها چهار موافقتنامه میان چند طرف باقی ماند که در زمینه خریدهای دولتی، گوشت گاو، هواپیمای غیرنظامی و محصولات لبنی هستند. در سال ۱۹۹۷ اعضای سازمان تجارت جهانی توافق کردند که موافقتنامه‌هایی مربوط به گوشت گاو و محصولات لبنی را از پایان همان سال لغو کنند.

مجموعه مقررات دور توکیو را می‌توان به موارد زیر خلاصه نمود:

- رویه‌های صدور و مجوز واردات
- یارانه‌ها و تدابیر جبرانی
- خریدهای دولتی
- ضد دامپینگ
- موانع فنی تجارت
- ارزش‌گذاری گمرکی
- ترتیبات محصولات لبنی
- ترتیبات گوشت گاو
- تجارت هواپیماهای غیرنظامی

هرچند گات حوزه پوشش محدود و ماهیتی موقتی داشت اما بی‌تردید در بهبود اطمینان بخشی به آزادسازی بیشتر تجارت جهانی موفقیت‌هایی را به همراه داشت. و حتی برخی بر این باورند که کاهش دائمی تعرفه‌ها به تنهایی به نرخ بالای رشد تجارت جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (به طور میانگین ۸ درصد در سال) کمک فراوانی کرد. نیروی محرکه آزادسازی تجاری اطمینانی بود تا رشد با ثبات تجارت، رشد تولید در عصر گات را سرعت بخشد. هجوم اعضای جدید طی دور اروگوئه دلالت بر این موضوع داشت که سیستم تجارت چندجانبه یک نقطه حرکت خوب برای توسعه و ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و تجاری است.



موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها به چنین سطح پائینی با رکود اقتصادی در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولتها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیاندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت خود سیاست استفاده از یارانه‌ها را دنبال کنند. در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تجارت جهانی مهمتر و پیچیده‌تر از ۴۰ سال قبل شده بود. جهانی سازی اقتصاد در راه بود، تجارت خدمات که در مقررات گات وجود نداشت، مورد علاقه بسیاری از کشورها قرار گرفته بود و سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش یافته بود. توسعه خدمات به مسائلی همچون افزایش تجارت جهانی کالاها وابسته شده بود. در سایر موارد نیز گات کمبودهایی داشت، به عنوان مثال در کشاورزی از مقرهای موجود در سیستم چندجانبه شدیداً بهره‌برداری می‌شد و تلاش برای آزاد سازی تجارت کشاورزی با موفقیت کمی روبه رو بود. در بخش منسوجات و پوشاک استثنائاتی در نظام عادی گات در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توافق قرار گرفت و به ترتیبات الیاف چندگانه منجر گردید. علی‌رغم اینکه ساختار نهادی گات و سیستم حل اختلاف خود مایه نگرانی بودند. این مشکلات و سایر عوامل اعضای گات را به تلاشی جدید برای تقویت و توسعه سیستم چندجانبه فراخواند. این تلاش در دور اروگوئه با اعلامیه مراکش و تشکیل سازمان تجارت جهانی نتیجه داد.

مذاکرات دور اروگوئه طولانی‌ترین و جامع‌ترین دور مذاکرات تا به امروز بوده است که هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضای امضاء گردید. در انتهای دور اروگوئه ۱۲۳ کشور شرکت داشتند و تقریباً همه مسائل تجاری را در برمی‌گرفت. این دور بزرگترین مذاکره تجاری تا آن زمان بود و شاید بتوان گفت بزرگترین مذاکره در نوع خود در تاریخ است. دور اروگوئه در مواقعی به نظر می‌رسید که به شکست منجر می‌شود، اما در پایان این دور بزرگترین اصلاح سیستم تجارت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را به ارمغان آورد علی‌رغم پیشرفتهای سخت دور اروگوئه مشاهده برخی نتایج دور از انتظار بود. تنها طی دو سال، شرکت کنندگان روی مجموعه‌ای از کاهشها در مورد حقوق و عوارض واردات بر محصولات گرمسیری که بیشتر توسط کشورهای در حال توسعه صادر می‌شد موافقت کردند. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند که برخی از این ضوابط بی‌درنگ اجرا شدند. آنان خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه‌ها، دارائیهای فکری، اقدامات سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود.

بدر اولیه دور اروگوئه در نوامبر ۱۹۸۲ در اجلاس وزرای اعضای گات در ژنو پاشیده شد. گرچه وزراء قصد داشتند که یک مذاکره جدید و مهم راه اندازند. اما اجلاس بر سر موضوع کشاورزی متوقف گردید و این یک شکست برای گات ارزیابی شد. در حقیقت برنامه کاری که وزراء در مورد آن توقف کردند، مبنای دستور جلسه مذاکرات دور اروگوئه قرار گرفت.

با وجود این، اجماع برای قبول آغاز دور جدید توسط وزراء چهار سال به طول انجامید و در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادل استه (Puntadel Este) اروگوئه گرد هم آمدند. دستور جلسه مذاکرات در واقع همه موضوعات مهم در

سیاستهای تجاری بود. گفتگوها در پی این بود که سیستم تجاری را به حوزه‌های جدید خصوصاً تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسعه دهد و تجارت در بخشهای حساس کشاورزی و منسوجات را اصلاح کند. تمام ماده‌های اولیه گات برای بازنگری در دستور کار قرار گرفت این بزرگترین دستور مذاکرات تجاری بود که تا آن زمان مورد قبول قرار گرفته بود و وزراء برای تکمیل آن چهار سال مهلت در نظر گرفتند. دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۸۸، وزراء برای ارزیابی نیمی از دور اروگوئه و بررسی پیشرفت کار دوباره در مونترال کانادا گرد هم آمدند. هدف این بود که دستور جلسه را برای دو سال باقیمانده روشن کنند اما گفتگوها به بن بست انجامید و به صورت لاینحل درآمد تا اینکه مسئولین رسمی در ماه آوریل سال بعد به آرامی و بدون سر و صدا در ژنو دیدار کردند.

وزراء طی اجلاس مونترال در زمینه مجموعه نتایج اولیه توافق کردند که شامل برخی امتیازات در مورد دسترسی به بازار محصولات گرمسیری به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه و ایجاد سیستم حل و فصل اختلافات کارا و نیز مکانیسم بررسی سیاست تجاری بود که برای اولین بار سیاستها و رویه‌های تجاری اعضای گات به صورت جامع و سیستماتیک بازنگری می‌شد. قرار بود این دور از مذاکره موقعی که در دسامبر ۱۹۹۰ وزراء بار دیگر در بروکسل با یکدیگر دیدار کردند خاتمه یابد. اما آنان در مورد چگونگی اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به توافق نرسیدند و تصمیم گرفتند که به گفتگوها ادامه دهند. بدین ترتیب دور اروگوئه وارد سردترین دوران خود شد.

علی‌رغم چشم انداز ضعیف سیاسی، کار فنی به طور قابل توجهی ادامه یافت که به تنظیم اولین پیش‌نویس موافقتنامه نهایی منجر شد. این پیش‌نویس در دسامبر ۱۹۹۱ در ژنو در دستور کار قرار گرفت. این پیش‌نویس همانند دستورالعمل پونتادل استه بود. فقط استثناء در مورد کاهش حقوق و عوارض واردات و باز کردن بازارهای خدمات به آن اضافه شده بود. این پیش‌نویس مبنایی برای موافقتنامه نهایی قرار گرفت. در طول دو سال بعد، مذاکرات با انتظارات شکست و موفقیت ادامه یافت. نکات اختلاف برانگیز جدیدی به بخش کشاورزی، خدمات، دسترسی به بازار، قواعد ضد دامپینگ و ایجاد یک نهاد جدید اضافه شد. اختلاف بیشتر بین ایالات متحده و اروپا بود.

در نوامبر ۱۹۹۲، ایالات متحده و اتحادیه اروپا اکثر اختلافاتشان در زمینه کشاورزی را با روشی حل کردند که به طور غیر رسمی توافق Blair House نامیده می‌شود. در ژوئیه ۱۹۹۳ گروه چهار ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا اعلام کردند که در مذاکرات تعرفه‌ها و سایر موضوعات مرتبط (دسترسی به بازار) به پیشرفت مهمی دست یافته‌اند. حل نهایی موضوعات و مذاکرات برای دسترسی به بازار کالاها و خدمات تا ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ طول کشید. در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تمام وزرای ۱۲۳ کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش موافقتنامه را امضاء کردند.

این تأخیر فوایدی در برداشت از جمله باعث مذاکراتی شد که پیشرفت بیشتری را نسبت به آنچه در ۱۹۹۰ ممکن بود حاصل کرد به ارمغان آورد. برای مثال برخی از جنبه‌های مربوط به خدمات و مالکیت معنوی (دارایی فکری) و همچنین تشکیل سازمان تجارت جهانی از آن جمله است. اما وظیفه بسیار بود و خستگی مذاکرات فرسایشی در بوروکراسی‌های تجاری دنیا احساس می‌شد. مشکل دستیابی به موافقتنامه کاملی که تقریباً همه موضوعات تجاری را در برگیرد باعث این نتیجه‌گیری شد که مذاکره‌ای در این مقیاس دوباره امکان‌پذیر نیست. با وجود این موافقتنامه‌های دور اروگوئه جدول زمانی برای مذاکرات جدید در مورد برخی موضوعها داشت. در سال ۱۹۹۶ بعضی کشورها علناً خواستار دور جدیدی از مذاکرات در ابتدای قرن بعدی شدند. باید توجه داشت که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ابتدا دو چیز بود. یکی موافقتنامه‌ای بین‌المللی که در آن مقرراتی برای هدایت تجارت بین‌الملل وجود داشت و دیگر

سازمانی بین‌المللی که بعدها ایجاد شد تا از موافقتنامه حمایت کند.

گات هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است. امروز موافقتنامه گات وجود دارد، اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و به روز شده است. موقعی که گات بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد بازرگانی بین‌المللی عمدتاً شامل تجارت کالا بود. از آن زمان بتدریج تجارت در خدمات (حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور، مشاوره و غیر آن) اهمیت بیشتری می‌یافت و همین طور تجارت در ایده‌ها (اختراعات و طراحی و کالاها و خدمات موضوع آنها که مجموعاً دارای فکری نامیده می‌شود. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اصلاح شده در موافقتنامه‌های جدید سازمان تجارت جهانی وارد گشته است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS) را در یک سازمان گرد هم می‌آورد. و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. گات به عنوان یک سازمان بین‌المللی دیگر وجود ندارد، ولی موافقتنامه گات هنوز زنده است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی است. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل‌تری از درون گات بیرون آمد.

گات موقت بود، موافقتنامه عمومی هرگز در پارلمانهای اعضا به تصویب نرسید و هیچ شرطی برای تاسیس یک سازمان را در بر نداشت. سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های آن دائمی هستند. سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمان بین‌المللی مبنای قانونی مستحکم دارد. زیرا اعضا موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را به تصویب پارلمانهای خود رسانده و خود موافقتنامه‌ها بر نحوه عمل سازمان تجارت جهانی ناظر و حاکم هستند. سازمان تجارت جهانی دارای اعضا است در حالی که گات دارای طرفهای متعاقد بود و این ویژگی گات را به عنوان یک متن قانونی زیرسؤال می‌برد. گات با تجارت کالا در ارتباط بود در حالی که سازمان تجارت جهانی خدمات و دارائیهای فکری را هم پوشش می‌دهد. سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی سریع‌تر و خودکارتر از سیستم قدیمی گات است و اجرای احکام آن نمی‌تواند متوقف شود.

مفاد موافقتنامه ۳۸ ماده‌ای گات و مواد الحاقی به آن جهت عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی ملحوظ گردید لذا کشورهایی که داوطلب عضویت در سازمان تجارت جهانی هستند به دنبال درخواست خود باید با تشکیل سه گروه کاری در سه زمینه مشخص و مرتبط زیر به مذاکره بپردازند.

۱- مذاکرات سیستماتیک یا چند جانبه

۲- مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار

۳- مذاکرات مربوط به تعهدات خاص در بخش خدمات

جلب رضایت دو سوم کشورهای عضو جهت عضویت کشور متقاضی در سازمان تجارت جهانی ضروری است. به طور کلی الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

۱- عدم تبعیض و رفتارهای مبتنی بر آن

- ۲- مخالفت با رویه‌های دامپینگ
- ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
- ۴- ارزش گذاری گمرکی
- ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
- ۶- تدوین مقررات تجاری
- ۷- پذیرش شرط حذف کلی محدودیت‌های مقداری
- ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
- ۹- پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاه‌های تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیر تبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می‌کند
- ۱۰- توافق‌هایی که اتحادیه گمرکی در مرز کشورهای هم مرز و مناطق آزاد تجاری را شامل می‌شود
- ۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات

الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هر کشور متفاوت است و در مورد الزامات خصوصی و قانونی عضویت ایران در این سازمان در قسمتهای بعدی اشاره خواهیم نمود.

چارچوب نظام تجارت جهانی بر این اساس طرح گردیده که به کشورها در ارتقاء توسعه اقتصادی‌شان از طریق بسط تجارت کمک کند. حذف تعرفه‌ها و دیگر موانع تجارت در خلال مذاکرات میان اعضا به عنوان راهکار بسط تجارت مورد پذیرش واقع شده است. دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان تجارت جهانی مد نظر دارد، در مورد کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون کاهش تعرفه‌ها، رفع محدودیت‌های مقداری و دیگر اقدامات غیر تعرفه‌ای مطرح می‌گردد. هدف مذاکرات تجاری چند جانبه آزادتر کردن دسترسی به بازارها است. در مورد کالاها، شرط لازم گات آن بوده است که تعرفه باید به عنوان تنها وسیله حمایت از صنعت داخلی مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، تعرفه‌ها باید دو ویژگی پیش‌بینی پذیری و ثبات (در نرخ) را داشته باشند تا دسترسی به بازار به عنوان یکی از مفاهیم و اهداف اساسی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در حال حاضر سازمان تجارت جهانی تحقق یابد.

دور جدید مذاکرات تجاری جهان از ابتدای فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی آغاز شد. که اولین دور مذاکرات آزادسازی تجاری جهان پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ و نهمین دور مذاکرات از زمان تأسیس موافقتنامه گات ۱۹۴۷ محسوب می‌شود. این دور ابتدا قرار بود همزمان با سومین نشست کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۹ در شهر سیاتل آمریکا آغاز شود اما به دلیل اختلاف نظر کشورهای عضو در دستور کار، نشست سیاتل در این خصوص موفق نبود و آغاز این دور که دور دوحه نامیده می‌شود تا زمان چهارمین نشست کنفرانس وزیران در سال ۲۰۰۱ در شهر دوحه قطر به تعویق افتاد. بر اساس بیانیه دوحه، این دور از مذاکرات از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز و تا اول سال ۲۰۰۵ پایان خواهد پذیرفت که هنوز (در سال ۲۰۰۸) ادامه دارد.<sup>۱۸</sup>

موضوعاتی که در دور دوحه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست‌های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت‌سازی و همکاری

<sup>18</sup> The Doha agenda, [http://www.wto.org/English/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/doha1\\_e.htm](http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm)

فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه یافته ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه های قبلی سازمان تجارت جهانی می باشد.

در حال حاضر ۱۵۲ کشور تا ۱۶ می ۲۰۰۸ عضو سازمان تجارت جهانی هستند<sup>۱۹</sup> که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند. با توجه به مقررات خاص این سازمان، در برخی موارد استثناء کشورهای عضو می توانند تا ۶۰۰ درصد<sup>۲۰</sup> بر کالاهایی که از کشورهای غیر عضو وارد کشورشان می شود تعرفه ببندند. به عبارت دیگر عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجائیکه قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۵۲ کشور جهان برخوردار و نتیجه سالهای سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست نمی توان آن را نادیده گرفت.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی ریزی شده است. کشورهای که در آنها ابزارهای نظام سرمایه داری در بخشهای مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه ای هماهنگ و تنگاتنگ تدریجاً طی پنج قرن نضج گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هر یک زاینده و در عین حال متأثر از دیگری است پیچیده تر از آن می نماید که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هر چند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته اند و اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود پردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاستهای مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان، اقدام به ریشه کن کردن مشکلات نمایند. سیاستگذارای اقتصادی، سیاسی و بازرگانی و وقوف بر مسائل و تحولات بین المللی، به روز بودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه ها در تصمیم گیری از ویژگیهای مورد نیاز بقا در دهکده جهانی عصر حاضر است.

در سازمان تجارت جهانی از بدو تاسیس با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر گردید از سال ۱۹۹۵، کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می کند. از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین المللی کشورهای در حال توسعه در سازمانهای بین المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان تجارت جهانی دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت

<sup>۱۹</sup> [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm)

<sup>۲۰</sup> سازمان تجارت جهانی و ایران. ادیب، ۱۳۷۹. اصفهان.

جهانی کسب کنند. همانطوریکه اشاره شد گات در طول ۴۸ سال حیات خود چندین بار اصلاح و موافقتنامه‌هایی به آن اضافه شد.

## اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی

مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار در دور اروگوئه در مقایسه با ادوار پیشین تا حدود زیادی وضعیت را بهبود بخشید. ویژگیهای اصلی نتایج این دور را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- کاهش تعرفه‌هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.
- با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نموده‌اند محدودیتهایی را که طبق ترتیبات الیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره ۱۰ ساله یعنی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ تدریجاً حذف کنند.
- موافقتنامه راجع به کشاورزی چارچوبی را برای قرارداد تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزادسازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.
- کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، که فعالانه در مذاکرات شرکت نمودند، تعرفه‌های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده‌اند.
- تقریباً تمامی تعرفه‌های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایشهای بیشتر تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه‌هایی که تثبیت گردیده بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و همچنین در موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی اهداف گات و سازمان تجارت جهانی اعلام شده‌اند. اهداف گات از قرار زیر می‌باشد:

- ۱- ارتقای سطح زندگی
  - ۲- تضمین اشتغال کامل
  - ۳- حجم زیاد و افزایش دائمی درآمد واقعی و تقاضای مؤثر
  - ۴- استفاده کامل از منابع موجود جهان
  - ۵- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالاها
  - ۶- در موافقتنامه تاسیس تجارت جهانی اهداف بصورت زیر کامل گردیدند.
  - ۷- توسعه و گسترش تولید تجارت کالا و خدمات
  - ۸- استفاده بهینه از منابع موجود در جهان
  - ۹- حفظ و حراست محیط زیست
  - ۱۰- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهایی که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته‌اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی.
- موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) فقط ناظر بر تجارت کالا بود، سازمان تجارت جهانی در دو حوزه اصلی دیگر شامل خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز وارد شد. در حوزه خدمات، موافقتنامه عمومی خدمات و

در حوزه مالکیت فکری، موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه محسوب می‌شوند. ضمناً کالاهایی که قبلاً از نظام تجارت آزاد بین‌المللی دور مانده بودند (نظیر محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) نیز تحت شمول موافقتنامه‌های کالایی این سازمان درآمد. هریک از موافقتنامه‌های عمومی از این قابلیت برخوردارند که ذیل آنها موافقتنامه‌های خاص تنظیم شود. سازمان تجارت جهانی با طیف وسیعی از فعالیتها، نظیر کشاورزی، منسوجات و پوشاک، بانکداری، ارتباطات راه دور، خریدهای دولتی، استانداردهای صنعتی، مقررات بهداشت مواد غذایی، داروهای فکری و غیره ارتباط دارد، موافقتنامه‌های آن طولانی و پیچیده است لکن اصول بنیادین آن به صورت زیر می‌باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم می‌شود.

شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه‌کننده کالای خارجی با کالا و عرضه‌کننده کالای داخلی صورت نگیرد. ماده ۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات، هر دو به صراحت رفتارهای تبعیض‌آمیز را منع کرده‌اند. طبق این مواد کالا و خدمات وارداتی به کشورهای عضو باید مشمول مقرراتی مشابه و یکسان با همه اعضا که همان شرط دول کامله الوداد می‌باشد است.

طبق ماده ۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی ممنوع است. طبق این ماده کشورهای عضو از اتخاذ آن دسته از سیاستهای داخلی که به اعطای امتیازات و مساعدت‌ها نسبت به کالاهای مشابه وارداتی منجر شود منع شده‌اند. مثلاً نمی‌توانند بر تولیدات داخلی مشابه کالاهای وارداتی مالیات کمتری وضع نمایند.

(۲) اصل آزادسازی تجارت

طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ هیچ یک از اعضا حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت‌ها شامل کلیه محدودیتها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاستهای نرخ ارز و غیره می‌گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها صورت می‌گیرد.

(۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی

هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند. این اصل در طول پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی به نتایج مطلوبی رسیده و سطح تعرفه‌های گمرکی بتدریج کاهش یافته‌اند.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۱</sup> - Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90

(۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری

طبق ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود. در مقررات ماده ۳ موافقتنامه عمومی این امر راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه

این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلهای در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد.

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند.

این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
  - هر نوع محدودیتی که مثلاً برای واردات کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور صادرکننده دیگر نیز خود به خود منظور می‌گردد.
  - دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
  - تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک‌تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می‌گردد.
- یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و در این ارتباط گزارش‌های منظمی از این بررسیها منتشر می‌کند. از این جهت شفاف بودن سیاستها و مقررات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در چارچوب سازمان تجارت جهانی این کار از دو طریق صورت می‌پذیرد:
- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاستها و قوانین خود.
  - انجام بررسی‌های منظم درباره تک‌تک کشورهای عضو و سیاست‌های تجاری آنها.

اگرچه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو بخشی از الزامات توافقیهای دور اروگوئه است، اما انجام این بررسی‌ها عملاً پیش از اتمام مذاکرات این دور آغاز گردیده بود. کشورهای حاضر در دور اروگوئه در جلسه وزیران در دسامبر سال ۱۹۸۸ با آغاز این بررسی‌ها موافقت کردند و متعاقب آن، در سال بعد اولین بررسی از این نوع انجام گردید، اما به دلیل آنکه در آن هنگام این بررسی تحت قواعد گات صورت می‌پذیرفت از اینرو صرفاً تجارت کالاها را پوشش می‌داد ولی سپس حوزه بررسی نیز گسترش یافت و تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر گرفت.



اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه‌های کشورهای از طریق نظارت پیوسته.
- بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی‌های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
- امکان پذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان.

سیاست تجاری همه کشورهای عضو باید طی یک دوره زمانی خاص مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته باشند. تناوب بررسی‌ها بستگی به اندازه اقتصاد کشورهای عضو دارد که تقریباً به صورت زیر است:

چهار اعضای که بیشترین حجم تجارت را به خود اختصاص می‌دهند، یعنی اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و کانادا، تقریباً هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شانزده کشور دیگر (برحسب سهم شان در تجارت جهانی)، هر چهار سال یک بار بررسی می‌گردند.

مابقی کشورها نیز هر شش سال یک بار، البته با این احتمال که برای کم توسعه یافته‌ترین کشورها تناوب بررسی‌ها شاید از مرز شش سال نیز بگذرد.

در هر بررسی، دو سند تهیه می‌گردد: یک گزارش توسط کشور تحت بررسی و به جهت اعلام سیاستها و گزارش دیگر بطور مستقل توسط دبیرخانه سازمان تجارت جهانی.

سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چند جانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعفهای قبلی گات را برطرف می‌کند، یکی از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه بشمار می‌آید. تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب‌الاجل‌های مشخص می‌باشد. حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را شامل می‌شود. متولی اجرای قواعد و مقررات تفاهمنامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن همان اعضای شورای عمومی سازمان می‌باشند.

معمولاً اختلاف زمانی بروز می‌کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر قواعد یکی از موافقتنامه‌ها یا تعهداتش را نقض کرده است. با توجه به اینکه هدف مکانیسم حل اختلاف تضمین راه حلی مثبت برای اختلافات است، در تفاهمنامه مقرر شده طرفین قبل از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف باید در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند. بعلاوه طرفین می‌توانند به منظور دستیابی به راه حل مرضی الطرفین، از دبیرکل درخواست مساعی جمیله نمایند. در صورت شکست تلاشها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکمی می‌تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. هیأت رسیدگی ظرف مهلت مقرر به قضیه رسیدگی و به رکن اعلام می‌نماید. رکن گزارش را تصویب خواهد کرد مگر اینکه اجماع برخلاف آن باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیأت رسیدگی می‌باشد. رکن دائمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف تقدیم می‌کند. برای حل و فصل مؤثر اختلافات، فاصله زمانی تشکیل هیأت رسیدگی تا صدور رأی نهایی در صورت عدم استیناف نباید از ۹ ماه و با استیناف از ۱۲ ماه تجاوز کند.

هنگامی که مشخص شد اقدامات یک عضو با مقررات موافقتنامه‌ها مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مذکور می‌خواهد که از اقدامات مزبور دست بردارد و در صورتی که عملی نباشد، جبران به عنوان اقدامی موقتی تا زمان توقف اقدامات خاطی اعمال می‌شود. آخرین تدبیری که تفاهمنامه در اختیار عضوی که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده قرار می‌دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های تحت پوشش

بر مبنای تبعیضی در مقابل عضو دیگر است به شرط اینکه رکن حل اختلاف اجازه چنین اقداماتی را بدهد. بعلاوه رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

### ساختار سازمان تجارت جهانی

هر چند گات ۱۹۴۷ صرفاً یک معاهده چند جانبه بود و بنا بود که تحت کنترل و نظارت سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) اجرا شود، ولی به علت عدم تشکیل این سازمان، گات از تشکیلات ضعیفی منحصر به دبیرخانه برخوردار بود. یکی از توفیقات مهم مذاکرات دور اروگوئه، ایجاد یک سازمان تجاری جهانی منسجم و دائمی به جای دبیرخانه گات است. سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم‌تر و مناسب‌تر است:

#### الف - ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط‌مشی‌های تجاری

رکن بررسی خط‌مشی‌های تجاری وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی نماید. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار (نسبت به کشورهای عمده تجاری هر دو سال یک بار) سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را مورد بررسی قرار داده، گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات دولت متبوع آن کشور منتشر شده و در معرض دیگر کشورها قرار می‌گیرد. هرگونه عکس‌العمل کشورها عمدتاً بر اساس چنین گزارش‌هایی استوار است. هدف از مقررات مربوط به مکانیسم بررسی خط‌مشی‌های تجاری تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها می‌باشد. این بررسی‌ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست‌های تجاری کشورها شفاف شده و درک صحیح و بی‌طرفانه‌ای از سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده اعضا به دست آید.

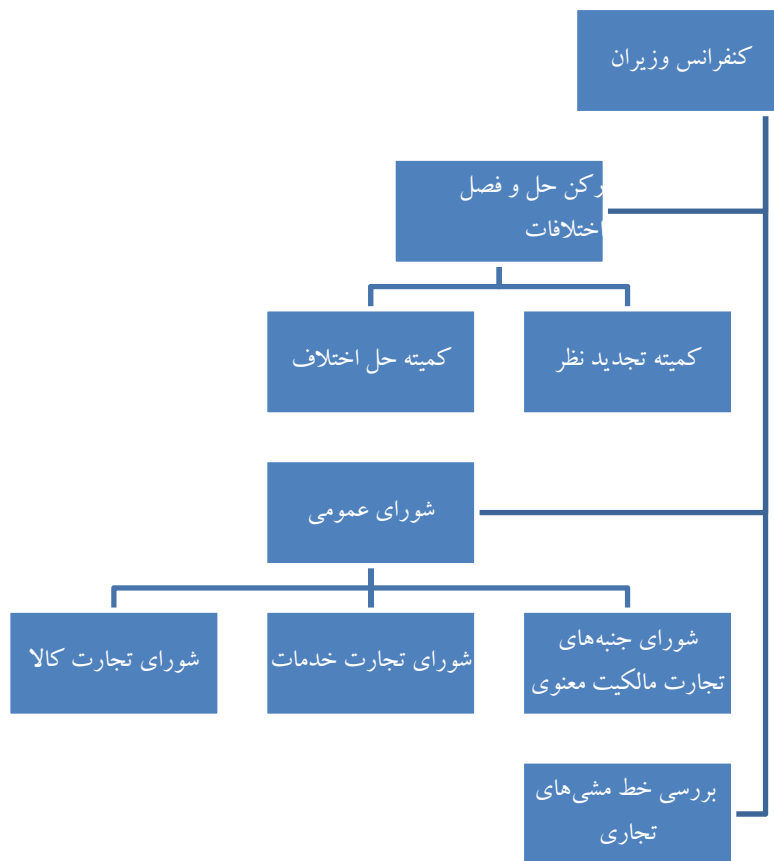
#### ب - ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی

بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید به اتخاذ تصمیمات یکطرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. آنها موظفند تا دعاوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی و طبق مقررات سازمان، حل و فصل کنند. چنانچه طرفین یا طرفهای دعوا توافق کنند، موضوع مورد اختلاف بر اساس میانجی‌گری، سازش و یا از طریق مساعی جمیله حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق و یا شکست میانجی‌گری یا سازش، کشور شاکی ممکن است حل و فصل دعاوی را طبق مقررات حقوقی درخواست کند. حل و فصل اختلافات بر اساس تفاهمنامه حل و فصل دعاوی انجام خواهد گرفت و رکن حل و فصل دعاوی وظیفه اداری آن را به عهده خواهد داشت.

#### ج - ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو

طبق مقررات سازمان تجارت جهانی، رویه منظمی برای نشست وزیران کشورهای عضو پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۴ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یکبار تشکیل خواهد شد که اولین آنها در اواخر سال ۱۹۹۶ در سنگاپور بود. مقصود از این مقررات، ایجاد نشست‌هایی منظم و در سطح عالی برای بحث پیرامون مشکلات موجود، توسعه و بهبود سیستم تجاری بین‌المللی و تهیه پیش‌نویس‌های لازم برای مذاکرات چند جانبه آتی می‌باشد. امید می‌رود با برقراری این رویه منظم، مشکلات قبلی گات در جمع کردن نمایندگان عالی کشورها برای انجام مذاکرات تکرار نشود.

در تشکیلات و مراجع تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران عالی‌ترین رکن سازمان است که



متشکل از نمایندگان همه کشورهای عضو بوده و باید حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه دهد. کنفرانس وزیران صلاحیت دارد تا طبق موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان هر تصمیمی را اتخاذ کند.

امور روزانه سازمان تجارت جهانی به عهده شورای عمومی است که تحت کنترل و نظارت کنفرانس وزیران بوده و متشکل از کلیه اعضا می‌باشد. شورای عمومی تقریباً هر ۲ ماه یکبار تشکیل شده و وظیفه دارد تا وظایف کنفرانس وزیران را در غیاب آن انجام داده و به کنفرانس وزیران گزارش دهد. شورای عمومی دارای سه شورای فرعی به نام شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای مرتبط به جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی است.

شورای عمومی قابلیت دارد تا در موارد مقتضی به رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی خط مشی‌های تجاری تبدیل شود. به عبارت دیگر، شورای عمومی در موارد لازم در رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی سیاست‌ها و تدابیر تجاری تشکیل می‌شود.

دبیرخانه سازمان تجارت جهانی در ژنو واقع است. در راس دبیرخانه دبیرکل قرار دارد که توسط کنفرانس وزیران انتخاب می‌گردد.

هر عضوی در کشور خود اداره‌ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزان و دیگر گروه‌های صنعتی و تولیدی تشکیل می‌شود. اکثر کشورها در ژنو دارای یک مرکز دائمی هستند که تحت ریاست سفیر یا وزیر ویژه آن کشور نزد سازمان تجارت جهانی فعالیت می‌کنند. البته در موارد خاص، یک کشور ممکن است نمایندگان ویژه‌ای برای مقاصد خاصی اعزام کند. کشورهایی که عضو یک اتحادیه تجاری –

اقتصادی هستند سعی می‌کنند فعالیت‌های خود را نزد سازمان تجارت جهانی هماهنگ کرده و نقطه نظرهای واحدی را اتخاذ نمایند. این هماهنگی تا اندازه زیادی به همبستگی کشورهای عضو آن اتحادیه و وحدت اقتصادی آن‌ها وابسته است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با کشورهای عضو آسیا دارای نقطه نظرهای به مراتب هماهنگ‌تر و یکسان‌تری هستند.

در شیوه تصمیم‌گیری، سازمان تجارت جهانی در واقع ادامه دهنده رویه گات است که تصمیمات باید بر اساس توافق جمعی و نه بر اساس رای‌گیری به عمل آید. این رویه باعث خواهد شد تا منافع تک تک کشورها مورد توجه قرار گیرد و اکثریت نتوانند نظریات خود را به دیگران تحمیل کنند. زمانی که اعضا به یک توافق جمعی دست پیدا نمی‌کنند، موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی در چهار مورد اجازه می‌دهد تا رای‌گیری شود. این رای‌گیری بر اساس یک کشور، یک رای استوار است. اکثریت‌های متفاوتی برای تصمیم‌گیری‌های گوناگون پیش‌بینی شده است. تفسیر هر کدام از موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی نیاز به اکثریت سه چهارم آرا دارد. همین اکثریت لازم است تا کنفرانس وزیران بتواند تعهداتی را که یکی از موافقت‌نامه‌های چند جانبه بر عهده یک عضو قرار داده، از عهده او بردارد. در مورد تعدیل موافقت‌نامه‌های چند جانبه بر حسب مورد ممکن است همه اعضا و یا اکثریت دو سوم نیاز باشد. در هر حال، تغییرات به عمل آمده فقط نسبت به کسانی که آن را پذیرفته‌اند لازم‌الاجرا خواهد بود.

### الحاق به سازمان تجارت جهانی

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم می‌شوند. اعضای اولیه همان طرفهای متعاهد گات تا پایان سال ۱۹۹۴ و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تأسیس سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. دیگر کشورها و یا قلمروهای مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را مطابق با ماده ۱۲ موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی طی کنند. فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی با دیگر سازمانهای بین‌المللی که غالباً از روند خودکار الحاق بهره‌مند هستند متفاوت است. براساس ماده مزبور، الحاق به این سازمان با شرایط مورد توافق سازمان و دولت متقاضی صورت خواهد گرفت و به عبارت دیگر فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی یک فرآیند مذاکره‌ای است و نتیجتاً امر الحاق به این سازمان را به روندی پیچیده، زمان‌بر و دشوار تبدیل می‌نماید. لذا طی مذاکرات کشورهای متقاضی باید پذیرند که اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقتنامه‌های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این لازمست تعهداتی را برای کاهش تعرفه‌ها و اصلاح مقررات خود قبول نمایند تا دسترسی بیشتری را برای واردات کالاها و خدمات خارجی فراهم نمایند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت‌یابی)، مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات ۱۹۹۴ همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاولة نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد می‌باشد. پروتکل الحاق ۳۰ روز پس از پذیرش کشور متقاضی الحاق (پس از تصویب پارلمان آن کشور) لازم‌الاجرا می‌گردد.

بطور کلی کشوری که می‌خواهد به عضویت WTO مراحل زیر را سپری می‌نماید:

- ۱) پرکردن فرم تقاضانامه و ارسال آن به دبیرخانه: دولت متقاضی طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان رسماً تمایل کشور خود را برای عضویت در سازمان اعلام می‌دارد. این نامه می‌تواند دربردارنده علت تمایل به عضویت و همچنین قبول توافقاتی باشد که در این زمینه صورت گرفته است.
- ۲) تشکیل گروه بررسی: دبیرکل پس از دریافت تقاضا آن را به اطلاع شورای عمومی می‌رساند و در صورت قبول شورا، گروه بررسی اقدام بکار می‌نماید. این گروه متشکل از یک رئیس و نمایندگان کشورهای عمده تجاری و نمایندگان کشورهای است که در رابطه با عضویت کشور عضو منافی دارند می‌باشد. وظیفه این گروه رسیدگی به تقاضای عضویت و مدیریت و سازماندهی مذاکرات می‌باشد و در ضمن کلیه سیاستها و تدابیر کشور متقاضی را بررسی و گزارش می‌نماید.
- ۳) تهیه یادداشت تدابیر و سیاستهای تجاری خارجی: در این مرحله کشور عضو یادداشتی در مورد جزئیات تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مقررات صادرات و واردات و محدودیتها و سیاستهای ارزی، تدابیر اتخاذ شده و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی و مقررات مربوط به تجارت خدمات و حق مالکیت معنوی به دبیرکل تقدیم می‌کند.
- ۴) مرحله پاسخگویی به سئوالات مطرح شده توسط اعضا: کلیه اعضا سئوالاتی درباره این گزارش مطرح می‌نمایند و کشور متقاضی کتباً اقدام به پاسخگویی خواهد نمود.
- ۵) تشکیل جلسه بررسی: رئیس گروه بررسی در جلسات مختلف بررسی گزارشات را آغاز می‌نماید.
- ۶) مذاکرات چند جانبه و دو جانبه با کشورهای دیگر: در زمان بررسی گزارشات اعضا ممکن است مذاکراتی با کشورهای دیگر بطور دو جانبه یا چند جانبه در مورد کاهش تعرفه گمرکی انجام دهند. کشورهای عضو معمولاً در قبال گرفتن برخی امتیازات اجازه می‌دهند تا دیگر اعضا از کاهش تعرفه یا تسهیلات مقرر منتفع گردند.
- ۷) رأی‌گیری: قبول یا رد عضویت کشور متقاضی مستلزم طبق بند ۲ ماده ۱۲ پذیرش عضویت مستلزم جلب نظر دو سوم کل اعضا سازمان است ولی رویه متعارف که از گات بجا مانده است رسیدن به توافق جمعی یا اجماع است. بنابراین کشوری که تمایل به عضویت دارد باید رضایت طرفهای عمده تجاری مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا را به خصوص جلب نماید و با وجود جلب نظر اکثریت دو سوم نباید از رویه عملی سازمان غافل بماند.
- ۸) تنظیم پروتکل الحاق: با پذیرفته شدن عضویت کشور متقاضی پروتکل الحاقی که دربردارنده تعهدات و شرایط الحاق کشور است مورد مذاکره قرار می‌گیرد. جدول امتیازات و توافقاتی مربوط به کاهش تعرفه‌ها که به پیوست پروتکل تهیه شده به امضاء کشور متقاضی و سایر اعضا می‌رسد و زمانی که کشور متقاضی رسماً به دبیرکل سازمان تجارت جهانی اعلام نماید که پروتکل و ضمیمه آن مورد قبول است آن کشور عضو سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

همانطور که مشاهده می‌شود در این جریان:

اول: عضویت در سازمان به معنای موافقت با کلیه موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی است که قاعدتاً شروطی را بر کشور متقاضی تحمیل می‌نماید.

دوم: کشور متقاضی باید بویژه با کشورهای عمده تجاری وارد مذاکره گردد و برای جلب رضایت آنها امتیازاتی از قبیل

کاهش تعرفه‌های گمرکی بدهد و روابط سیاسی - تجاری خود را با اعضاء و بویژه کشورهای عمده تجاری بهبود بخشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاستهای اجرایی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

۱. آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای در حال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده‌اند.
۲. آزادسازی قیمت کالاها و خدمات: حذف سوبسیدها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود برای تحقق این مورد می‌باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسیدهای خصوصی‌سازی و سوبسید کالاهای مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشورهای عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
۳. آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می‌باشد.
۴. آزادسازی نرخ بهره
۵. لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
۶. جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.
۷. تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار
۸. جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.

### رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه

بیش از دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. مقررات مربوط به توسعه کشورهای در حال توسعه، که در طول چند دهه قبل از تاسیس سازمان تجارت جهانی شکل یافته بودند، از طریق موافقتنامه گات ۹۴ به سازمان تجارت جهانی منتقل گردیدند. موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف: مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه

شامل اقدامات یکجانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای امتیازات ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در موارد زیر می‌باشند:

- «نظام عمومیت یافته ترجیحات (GSP)»
- «شرط توانمندسازی»، تصمیم در مورد رفتار متفاوت و مطلوب‌تر، رفتار متقابل و مشارکت کامل کشورهای در حال توسعه، نوامبر ۱۹۷۹
- ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه‌های جغرافیایی خاص به استناد معافیت‌های موقت از ماده یک گات ۹۴

(اصل دول كامله الوداد)

- حذف عوارض گمرکی کالاهاى صادراتى کشورهاى در حال توسعه توسط کشورهاى توسعه یافته
- امکان ایجاد ترتیبات تجارى جنوب- جنوب با تعديل شرایط ماده ۲۴ گات
- توجه بیشتر به آزادسازی تجارى کالاهاى مورد علاقه صادراتى کشورهاى در حال توسعه، به استناد فصل

#### چهار گات

ب: انعطاف بیشتر برای کشورهاى در حال توسعه در پذیرش تعهدات

شامل موارد زیر:

- انعطاف در برقرارى حمايت برای تاسيس صنايع جديد
- اتخاذ اقدامات محدود کننده در زمان بروز مشکلات تراز پرداختها
- معافيت از برخى مقررات خاص در چارچوب گات ۹۴ و ديگر موافقتنامههاى متشکله سازمان تجارت جهانى
- دوره هاى انتقالى طولانى تر برای اجرای تعهدات و انعطافها و معافيتهاى گسترده تر برای کشورهاى در حال توسعه

ج: ارائه کمکهاى فنى به کشورهاى در حال توسعه

این کمکها جهت یارى کشورهاى توسعه نیافته نسبت به حجم وسیع تعهدات آنها مى باشد که بتوانند از عهده تعهدات خود در موافقتنامههاى سازمان تجارت جهانى برآیند و شامل ترتیبات مختلفى با هدف ارائه کمکهاى فنى به منظور ایجاد ظرفيتهاى تخصصى، سازمانى و حقوقى لازم جهت همگرایی بیشتر کشورهاى در حال توسعه در نظام تجارى چند جانبه در موافقتنامههاى مختلف سازمان تجارت جهانى است.

برگزاری اجلاس وزرای دوحه در سال ۲۰۰۱ و شروع مذاکرات دور جدید، تحرک جدیدی را برای پیگیری ملاحظات توسعه ای کشورهاى در حال توسعه فراهم ساخت. اجلاس وزرای دوحه تصمیماتی را مبنی بر گسترش دامنه همکاریهاى فنى و ظرفیت سازی اتخاذ نموده و همچنین خواستار تقویت مقررات ناظر بر رفتار ویژه و متفاوت با کشورهاى در حال توسعه و بررسی تبعات لازم الاجراء ساختن مفاد غیرالزامی این مقررات شده است.

### اتحادیههاى تجارى منطقه ای و سازمان تجارت جهانى

معاهدات بین المللی بین کشورها در روابط تجارى آنها با یکدیگر ترتیبات خاص تجارت منطقه ای را تشکیل مى دهد و مطابق آن اعضا شرایط ویژه ای را در روابط خود اعمال مى نمایند. این شرایط شامل سایر اعضا سازمان تجارت جهانى که عضو این ترتیبات نیستند نمى شود. هر عضو از اعضاى سازمان تجارت جهانى مى تواند وارد یک ترتیب تجارى منطقه ای شود و با شرکای جدید خود رفتار تجارى مطلوب تری نسبت به اعضاى خارج از آن برقرار نماید. مطابق ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴، اعضاى سازمان تجارت جهانى مى توانند اتحادیه گمرکی، مناطق تجارت آزاد و موافقتنامههاى موقت ایجاد نمایند با این شرط که ترتیبات مزبور، تجارت بین طرفهاى متعاقد را بدون افزایش موانع تجارى فراروى کشور ثالث تسهیل نماید. کشورهاى در حال توسعه مطابق شرط توانمندسازی قادرند بدون در نظر گرفتن شرایط مندرج در ماده ۲۴ گات، اتحادیه گمرکی یا منطقه تجارت آزاد و یا ترتیبات منطقه ای دیگری تشکیل دهند.

ماده ۵ موافقتنامه عمومى تجارت خدمات تحت عنوان یکپارچگی اقتصادى همانند ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴

ترتیبات تجاری منطقه‌ای را مجاز می‌داند. تا سال ۲۰۰۵ در حدود ۳۰۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به سازمان تجارت جهانی اعلام شد.

### موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی

همانطور که گفته شد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) مهمترین موافقتنامه چندجانبه کالایی در نظام تجارت به شمار می‌رفت و تا پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی بر آن صورت پذیرفت و به علاوه پروتکل‌ها و تأییدیه‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق و تصمیمات طرفهای متعاقد گات از جمله در موارد معافیت از تعهدات، بدان ضمیمه شد. در دور اروگوئه، ۶ تفاهمنامه در تفسیر مواد گات و پروتکل الحاقی مراکش نیز به گات ۱۹۴۷ افزوده گردید که مجموعه این اسناد گات ۱۹۹۴ خوانده می‌شود. در دور اروگوئه، ۱۲ موافقتنامه چند جانبه جدید کالایی نیز به تصویب رسید که وابسته به گات ۱۹۹۴ تلقی می‌گردند و در ارتباط با موافقتنامه‌های خاص در موضوعاتی چون استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و حفاظت‌ها، و بخش‌های کشاورزی و منسوجات در زمینه تجارت کالا هستند که به همراه گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را، با عنوان موافقتنامه‌های چند جانبه کالایی، تشکیل می‌دهند. در صورت تعارض میان مواد گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های خاص، مورد اخیر مقدم خواهد بود.

در مذاکرات دور اروگوئه، موافقتنامه‌ها، تفاهمنامه‌ها، اعلامیه‌ها و تصمیمات متعددی منعقد و اتخاذ گردید که جزء لاینفک موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی می‌باشند و کشورهای عضو الزاماً باید آنها را بپذیرند. این موارد ذیلاً آورده شده‌اند.

- ۱- مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷. اگرچه گات ۱۹۹۴ شامل گات ۱۹۴۷ نیز می‌شود، لکن از نظر حقوقی این دو موافقتنامه مجزا می‌باشند.
- ۲- پروتکل‌ها و گواهیهای مربوط به امتیازات تعرفه‌ای.
- ۳- پروتکل‌های الحاق کشورهای به گات ۱۹۴۷.
- ۴- معافیت‌های اعطایی طرفهای متعاقد به برخی کشورها جهت عدم انجام تعهدات خاص (Waivers) بر اساس ماده ۲۵ گات ۱۹۴۷.

۵- سایر تصمیمات طرفهای متعاقد گات ۱۹۴۷.

- ۶- تفاهمنامه‌های مربوط به تفسیر برخی از مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷:
  - تفاهمنامه تفسیر ماده (b) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به جداول امتیازات.
  - تفاهمنامه تغییر ماده ۱۷ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به شرکتهای تجاری دولتی.
  - تفاهمنامه مواد تراز پرداختها در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
  - تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد و تجاری.

• تفاهمنامه معافیت از تعهدات خاص در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.

۷- تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۸ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت درباره تغییر جداول تعرفه‌ای.



- ۸- پروتکل دور اروگوئه در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴. این پروتکل، پروتکل الحاقیه کشورها به سازمان تجارت جهانی می‌باشد.
- ۹- موافقتنامه کشاورزی.
- ۱۰- موافقتنامه تدابیر بهداشتی دام و نبات.
- ۱۱- موافقتنامه منسوجات و پوشاک..
- ۱۲- موافقتنامه موانع فنی تجارت.
- ۱۳- موافقتنامه جنبه‌هایی از اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت<sup>۲۲</sup>.
- ۱۴- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص عوارض ضد دامپینگ و جبرانی.
- ۱۵- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۲ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص ارزش گذاری گمرکی.
- ۱۶- موافقتنامه بازرسی قبل از حمل.
- ۱۷- موافقتنامه مقررات مبداء.
- ۱۸- موافقتنامه رویه های صدور مجوز ورود.
- ۱۹- موافقتنامه مربوط به حراستها (Safeguards).
- ۲۰- موافقتنامه یارانه‌ها و تدابیر جبرانی.
- ۲۱- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات.
- ۲۲- موافقتنامه جنبه‌هایی از حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، شامل تجارت کالای تقلبی<sup>۲۳</sup>.
- ۲۳- تفاهنامه مربوط به قواعد و رویه‌های ناظر بر حل و فصل اختلافات تجاری.
- ۲۴- مکانیسم بررسی سیاست تجاری.
- ۲۵- ۴ موافقتنامه کالایی زیر که الزام آور نیستند:
- موافقتنامه مربوط به تجارت هواپیماهای کشوری.
  - موافقتنامه مربوط به تدارک دولتی.
- علاوه بر این، اعلامیه‌ها و تصمیمات وزراء نیز که غالباً تفسیر موادی از موافقتنامه‌های فوق می‌باشند به مجموعه اسناد گات ۱۹۹۴ منضم گردیده است و تمامی موارد بعنوان مجموعه موافقتنامه‌ها و اسناد حقوقی، جزء لاینفک موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت است<sup>۲۴</sup>.

## منابع و مآخذ

- امیدبخش اسفندیار، بیژن بیدآباد، اکبر کمیجانی، رفعتی، حکیمیان و همکاران. بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت، سازمان مدیریت صنعتی، وزارت صنایع، دی ۱۳۷۵.
- بیدآباد، بیژن. آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، ۱۳۸۲، تهران.
- بیدآباد، بیژن. موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت و حذف از بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۸۱.

<sup>22</sup> - TRIMs -Trade Related Investment Measures

<sup>23</sup> - TRIPs-Trade – Related Aspects of Intellectual Properay Rights

<sup>24</sup> - [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis/tif\\_e/agrm9\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm)

Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.

- بیدآباد، بیژن. مسائل سیاستگذاریهایی کلان اقتصادی در ایران، مجموعه ۴۰ مقاله. <http://www.bidabad.com/>
- رحیمی بروجردی، علیرضا، تجارت بین الملل (تئوریهها و سیاستها) چاپ اول بهار ۱۳۷۴.
- پور مقیم، سید جواد، تجارت بین الملل نظریهها و سیاستهای بازرگانی تابستان ۱۳۷۵.
- نوربخش، محمد، بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات، رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۵.
- دومینیک سالواتوره، تجارت بین الملل ترجمه حمیدرضا ارباب چاپ اول فروردین ۱۳۷۶.
- دیوید هلد و آنتونی سکگر، جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.
- ادیب، سازمان تجارت جهانی و ایران. ۱۳۷۹. اصفهان.
- <http://www.wto.org/> سازمان تجارت جهانی
- The Doha agenda, [http://www.wto.org/English/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/doha1\\_e.htm](http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm)
- [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis/tif\\_e/agrm9\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm) Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.
- [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm)
- A Dixit, Norman (1985). Theory of international trade, Cambridge University Press.
- Walter Enders Harvey, E. Lapan, International Economic theory and policy, NJ: PHI, 1987.
- R.W. Jones., P.B. Kenen. Handbook of international Economics. Vol 1 Amsterdam North–Holland. 1996.
- Suranovic, absolute and comparative advantage – 1999.
- Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90
- Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996)
- Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995).